



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

توبہ

حوالہ

محمد ہادی کا ابراہیم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوان و توبه

نویسنده:

محمد هادی ابراهیمی

ناشر چاپی:

مطبعه اکبر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	جوان و توبه
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۲	مقدمه
۲۴	فصل اول: جوان و جوانی
۲۴	اشاره
۲۵	تعریف جوان
۲۵	زمان جوانی
۲۶	اهمیت جوانی در اسلام
۲۸	شکل گیری شخصیت
۳۰	جوانی همیشگی
۳۳	فصل دوم: گناه و پیامد های آن
۳۳	اشاره
۳۴	معنی گناه
۳۴	گناه چیست؟!
۳۵	آیا موضوع گناه و توبه، شدت محبت خدا به بندگان را نمی رساند؟!
۳۶	ریشه ی گناهان
۳۶	انواع گناه
۳۶	اشاره
۳۷	۱. گناهان کبیره
۴۷	۲. گناهان صغیره
۴۸	گناهان صغیره عبارتند از:

۴۹	بلاهایی که انواع گناه بر سرمان می آورد:
۵۰	راه مبارزه با گناه
۵۱	عوامل گناه
۵۱	۱. ماده گرایی
۵۱	۲. اندیشه فنا و مرگ
۵۲	۳. هوای نفس
۵۳	عوامل تشدید گناهان
۵۳	اشاره
۵۴	۱. اصرار بر گناه
۵۴	۲. کوچک شمردن گناه
۵۵	۳. اظهار خوشحالی هنگام گناه
۵۶	۴. مغرور شدن به مهلت الهی
۵۶	۵. تجاهر به گناه
۵۷	آثار گناهان
۵۷	اشاره
۵۷	۱. آثار وضعی گناه
۵۷	۲. آثار گناه بر دل انسان
۵۹	۳. زوال نعمت
۶۱	۴. نزول بلا
۶۳	۵. کوتاهی عمر
۶۴	۶. تباهی ایمان
۶۴	۷. تاریکی دل
۶۵	۸. قساوت قلب
۶۶	۹. فکر گناه
۶۷	۱۰. خصلت گناه
۶۸	۱۱. گناه، گناه می رویاند.

۷۰	مصونیت از گناه و اشتباه
۷۳	عوامل مصونیت از گناه
۷۳	اشاره
۷۳	۱. باور به حضور خدا
۷۴	۲. معاد باوری
۷۵	۳. عرضه اعمال
۷۶	۴. یاد مرگ
۷۷	۵. نماز و عبادت
۸۱	فصل سوم: توبه
۸۱	اشاره
۹۰	استغفار و توبه در قرآن
۹۳	جبران گناه از دیدگاه روایات
۱۱۵	مراقبت کنید
۱۱۷	خودسازی
۱۲۵	توبه بی ثمر
۱۲۷	توبه دروغین
۱۲۷	اشاره
۱۲۸	۱. کمک و صدقات پنهانی
۱۲۸	۲. هجرت و جهاد
۱۲۹	۳. دوری از گناهان بزرگ
۱۲۹	۴. انجام کار های نیک
۱۳۰	۵. قرض دادن
۱۳۱	۶. تقوا
۱۳۱	۷. ایمان و عمل صالح
۱۳۲	۸. توبه و بازگشت از گناهان
۱۳۳	۹. خواندن نماز های مستحبی و نافله، مخصوصاً نماز شب

۱۰. خضوع در عبادت و اشک ریختن در دعا و مناجات ۱۳۴
۱۱. جهاد در راه خدا ۱۳۴
۱۲. خوش اخلاقی ۱۳۵
۱۴. پیروی از پیشوایان دین ۱۳۵
۱۳. راستگویی ۱۳۶
۱۵. صلوات بر محمد و آل محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۳۶
۱۶. تلاوت قرآن ۱۳۶
۱۷. عمل به قرآن ۱۳۷
۱۸. روزه ۱۳۷
۱۹. افطاری دادن به روزه داران مؤمن ۱۳۷
۲۰. فریاد رسی از ستمدیدگان ۱۳۷
۲۱. ترک گناهان بزرگ ۱۳۸
۲۲. استغفار روزانه ۱۳۸
۲۳. خداوند از حق الناس نمی گذرد ۱۳۹
- جوانان و توبه ۱۴۰
- اشاره ۱۴۰
۱. متخلفان تائب ۱۴۴
۲. توبه غلام وحشی ۱۴۵
۳. توبه یک راهزن مشهور ۱۴۷
۴. داستان همسایه ابوبصیر ۱۴۹
- رباعی های توبه ۱۵۱
- کتابنامه ۱۵۳
- درباره مرکز ۱۵۵

جوان و توبه

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: جوان و توبه / محمد هادی ابراهیمی

مشخصات نشر: کابل: مطبعه اکبر، 1399

مشخصات ظاهری: 145 ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیفا.

یادداشت: کتابنامه: ص. [144]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: چاپ اول، 1399

موضوع: جوان، گناه، توبه

145 ص.

1. جوان، 2. گناه، 3. توبه - الف. موضوع

نام مجموعه:

.....راه

بازگشت از گناه

نام کتاب: جوان و توبه

مؤلف: محمد هادی ابراهیمی

ناشر: مطبعه اکبر

صفحه آرا: عصمت الله نظری

نوبت چاپ: اول / 1399

قیمت: 90 افغانی

تلفن: 0767653632

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

جوان و توبه

محمد هادی ابراهیمی

ص: 4

فهرست مطالب

مقدمه... 1

فصل اول: جوان و جوانی

تعریف جوان... 4

ما جوانی 4

اهمیت جوانی اسلا 5

شکل گیری شخصیت... 7

جوانی همیشگی 9

فصل دوم: گناه و پیامد های آن

معنی گناه... 13

گناه چیست؟!... 13

آیا موضوع گناه و توبه، شدت محبت خدا به بندگان را نمیرساند؟!... 14

ریشه ی گناها 15

انواع گناه... 15

ص: 5

1 . گناها کبیره.....16

2 . گناها صغیره.....26

28.....: بلاهایی که انوا گناه بر سرما می

29.....: اه مباحه با گناه

30.....: عوامل گناه

1. ماده گرابی...30

2. اندیشه فنا و مرگ...30

3. هوای نفس...31

عوامل تشدید گناهان...32

1. اصرار بر گناه...33

2. کوچک شمردن گناه...33

3. اظهار خوشحالی هنگام گناه...34

4. مغرور شدن به مهلت الهی...35

5. تجاهر به گناه...35

آثار گناهان...36

ص: 6

1. آثار وضعی گناه.....36
2. آثار گناه بر دل انسان.....36
3. زوال نعمت...38
4. نزول بلا...40
5. کوتاهی عمر.....42
6. تباهی ایمان.....43
7. تاریکی دل...43
8. قساوت قلب.....44
9. فکر گناه.....45
10. خصلت گناه....46
11. گناه، گناه می رویاند.47
- مصونیت از گناه و اشتباه...49
- عوامل مصونیت از گناه.....52
1. باور به حضور خدا...52
2. معاد باوری...53

3. عرضه اعمال.....54

4. یاد مرگ.....55

5. نماز و عبادت....56

6. بر حذر داشتن از گناه در خلوتگاه.....57

7. دوری از گنهکاران...57

فصل سوم: توبه

یک حکایت.....62

معنای توبه...63

مفهوم توبه...63

فلسفه توبه...66

توبه و پاکسازی.....67

استغفار و توبه در قرآن.....69

جبران گناه از دیدگاه روایات.....72

فرصت و زمان توبه.....74

رکن اول: پشیمانی بر گذشته...76

ص: 8

رکن دوم: تصمیم به عدم بازگشت.....77

توبه در جوانی...78

یک حکایت.....79

توبه تولد دوباره.....84

توبه مورد قبول.....87

توبه نصوح و خالصانه...88

چرا تأخیر؟...،90

با تأخیر افکندن توبه...90

آسان تر از توبه.....91

مهلت توبه.....92

همت و اراده...92

مراقبت کنید.....93

خودسازی.....95

توبه حقیقی.....100

ارتباط با امام زماناً یک نیاز حیاتی است.....102

توبه بی ثمر.....103

ص: 9

- توبه دروغین....105
106. راههای بخشش و جبران گناه....106
1. کمک و صدقات پنهانی....106
2. هجرت و جهاد.....106
3. دوری از گناهان بزرگ.....107
4. انجام کار های نیک.....107
5. قرض دادن.....108
6. تقوا.....109
7. ایمان و عمل صالح.....109
8. توبه و بازگشت از گناهان.....110
9. خواندن نماز های مستحبی و نافله، مخصوصاً نماز شب.....111
10. خضوع در عبادت و اشک ریختن در دعا و مناجات....112
11. جهاد در راه خدا.....112
12. خوش اخلاقی....113
13. راستگویی....113

14. پیروی از پیشوایان دین...113

15. صلوات بر محمد و آل محمد(صلی الله علیه و آله)...114

16. تلاوت قرآن.....114

17. عمل به قرآن.....115

18. روزه.....115

19. افطاری دادن به روزه داران مؤمن.115

20. فریاد رسی از ستمدیدگان...115

21. ترک گناهان بزرگ...116

22. استغفار روزانه...116

23. خداوند از حق الناس نمی گذرد...117

جوانان و توبه.....118

ضمانت بهشت برای جوان تائب.....120

تائبان نمونه...122

1. متخلفان تائب.....122

2. توبه غلام وحشی...123

ص: 11

3. توبه یک راهزن مشهور....125

4. داستان همسایه ابوبصیر.....127

رباعی های توبه....129

کتابنامه....130

ص: 12

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين، و لعنه الله على اعدائهم الى قيام يوم الدين

خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید: (ادع الى سبيل ربك بالحكمه والموعظه الحسنه) « به سوی پروردگار خود دعوت کن به وسیله رفتار حکمت آمیز و پندآموز»

دعوت به سوی پروردگار مختص زبان و گفتار نیست، بلکه راه ها و روش های گوناگونی دارد. یکی از این روش ها، رفتار و کردار است؛ و راه دیگر، قلم و نوشتار است که تأثیر بسیار زیاد در جامعه دارد.

در حدیث معروفی آمده است: (مداد العلماء افضل من دماء الشهداء) «مربک و قلم عالم و دانشمند از خون شهید با فضیلت تر است»، البته منظور از قلم، قلمی است که در هر عصر و زمان نیاز جامعه را در نظر می گیرد و جهت آن به سوی خدا باشد.

از آنجا که آیین اسلام، آیین رحمت و مهربانی است، تکلیف ها و کیفر های سخت در آن نیست. توبه بازگشت از گناه و روی آوردن به خداوند نیز از جمله همین تکلیف های آسانی است که خدای دانا و مهربان بندگان گناهکارش را بدان فراخوانده و همگان را بدان مژده داده و خود را تواب و توبه پذیر نامیده است.

خداوند مهربان، در توبه و رحمت را به روی بندگان گناهکارش گشوده و راههای وصول به آن را به وسیله پیامبران و اولیایش معرفی نموده است.

این نوشتار کاوشی است کوتاه پیرامون جوان، گناه و توبه که در سه فصل تنظیم شده است:

1. فصل اول: جوان و جوانی

2. فصل دوم: گناه و پیامد های آن.

3. فصل سوم: توبه و پشیمانی.

شواهد و مؤیدات قرآنی و حدیثی در سراسر کتاب ذکر شده است؛ منتها در صورت لزوم، متون عربی (آیات قرآن مجید و روایات که ذکر آنها ضروری به نظر می رسد) در پاورقی ها آمده و ترجمه آن در متن ذکر شده است تا متن، یکدست و روان بوده و برای کسانی که با عربی آشنایی ندارند، ملال آور نباشد. البته باید گفت که در بعضی از جاهای کتاب متن عربی را برای فهم و درک بهتر خواننده گرامی آورده ایم تا خواننده بهتر و خوبتر مطلب را درک کند.

کابل - محمد هادی ابراهیمی

ربیع الثانی 1441 ه.ق

زمستان 1398

ص: 14

تعریف جوان

شخصی که ما یا عمر نگذشته است ا جوا گویند جوا مقابل پیر است ا احکا بابها صلا ، کا ، صو ، عتق حد سخن فته است.

اه « جوانی » اشاه به مرحله ا ندگی انساها ا که قوا جسمی حی بشر بالاترین جه استعداد خوقرا ا به عبا یگر، تمام استعداد های نی بیرنی انسا ا شکوفائی ثمرهی است

به کسی که چنین ا ا ندگی بسر می بر فاسی « جوا » عربی « شا » می گویند. می با همه ابعا جو استعدادها جسمی، حی، عاطفی عقلی خو که علم تمد تکنولو پیشرفته امر ، تنها نمو ا است، امکا تکمیل تدیجی این استعدادها ا جوانی به ست می .

ما جوانی

اشناسا تقسیم بند مراحل ندگی ه پیش ا ما چهل سالگی ا ما جوانی انسته اند. این هنگا ا ندگی نیا خر فرخنده مبا شمره شده است. انسا ندگی همواه جوانی ا

خدا متعا صف بهشتیا که نعمت ها بی پایا الهی غر هستند ا نتیجه عبویت بندگی خو بهره مند می شوند می فرماید:

«شبا لایهرومو» «بهشتیا جوا هستند پیر نمی شوند.»

پیامبر گرامی اسلا (صلی الله علیه و آله)، اما اسو شیعیاسر جوانا بهشت نامیده است:

«الحسن الحسین سیدا الشبا هل الجنة»

همانا اما حسن (علیه السلام) اما حسین (علیه السلام) سر قا جوانا بهشت اند.

اهمیت جوانی اسلا

ین مبین اسلا که اعیه انسا سا شکوفاگر همه ظرفیتها استعدادها بشر اا، جوانی ا برترین شایسته ترین مرحله ندگی می اند بر نقش محو ساندگی انسا تأکید می کند. با نگاهی گذا به احایث اما معصو (علیهم السلام) با حقیقت جوا اهمیت ه جوانی بیشتر شنا خواهیم شد.

چیز است که اهمیت ها جز با است ا شان شناخته نمی شو: ا جوانی عافیت. (1)

قر مجید با توجه به ندگی ما جها طبیعت خطا به انسا می گوید:

(بهره خو اا این نیا جها ما فرامو نکن) (2)

ص: 17

1- . شیئا لا یعر فضلها الا من فقدهما الشبا العافیة؛ بحار الانوار، ج 44، ص 245.

2- . قصص، 77. وَلَا تَسْ نَصِیْبِكَ مِنَ الدُّنْیَا.

اما علی(علیه السلام) تفسیر این یه می فرماید:

تندستی نیر سایش جوانی شایبی خو افرامو نکن با این سرمایه ها گرانها خر خو تأمین کن. (1)

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود:

جوا پائسائی که ا نوجوانی خدا ا بندگی می کند بر ترا پیر است که کهنسالی به عبا می پرا همچنا که پیامبرا بر

یگر مر برتر اند. (2)

بر اهل بصیر شن است که چه با اهمیت جوانی مطر است، تنها سپر کر گا نوا نوجوانی سید به مرحله جدید که همه انساها به طو طبیعی ا عمر ، ا پشت سر می گذاند، نیست؛ بلکه منظو است که این برهه ا ما که تمامی قوا استعدا ها می به حد کما خو می سد، انسا مسیر صحیح جهت کما کسب

فضیلت اش حرکت کند ا این فرصت ا شمند تکرا ناشدنی بهره کافی ببر چرا که غیر این صو اگر جوانی انسا

مسیر شهوا

ص: 18

1- . لا تنس صحتک قوتک فراغک شبابک نشاطک تطلب بها الآخر ؛ وسائل الشیعه ج 1 ص 90.

2 - . فضل الشا العابد الذ یعبد فی صباه علی الشیخ الذ یعبد بعد ما کبر « سنه کفضل المرسلین علی سائر النا .

نفسانیا باشد، اشی ندا چه بسا خذلا خسرا همیشگی ا به نبا اشته باشد.

شکل گیری شخصیت

انسا با تولد، مراحل شد خو ا غا می کند. بعد حیوانی انسا که نگاه انده ااه کننده حیا است، به صو بالفعل ا موجو است، اما بعد انسانی ا به طو بالقوه به صو بذهایی نهفته است به مر ما باید شناسایی شکوفا شو. طو ما ایا نوجوانی علاه بر خواستها نفسانی، یافتها عقلی ا نیز شد می کند تا که نوبت به ایا جوانی می سد که هم ا بر استعدادها حیوانی است هم می مراحل کما عقلی خو ا طی می کند. به عبا یگر ا جوانی ا یک سو هوا هوا غرایز حیوانی با انگیزه قو، انسا ا به سو خواستهها نفسانی می کشاند ا سو یگر قوه عاقله گرایشها حی معنو فطر ا ا هرگونه تخطی تجا به حقو یگرا با می ا. به عقیده انشناسا با فرا سید بلو، ا یک طر خواهشها ————— ای غریز جو جوانا شکفته می شو ا طر یگر تمایلا حانی جدا اخلاقی ضمیرشا پیدا می گر، یعنی همانطو که نیر غریزه، جوانا ا به اعما خواهشها نفسانی تحریک می کند، کششها حی، نا ا به اضا خواستهها معنو ا می ا. این میا، به ناچا یکی ا باید انتخا کر شخصیت

انسا بر اثر کثر همین انتخاها تدا اصرا بر شکل می‌گیر. اگر این‌گزینش‌ها (که جوا ایا جوانی هر لحظه بر سر این اهی قرا ا) فرما نفس جنبه‌ها حیوانی خو ا برگزینند، ساختا شخصیتی ا بر پایه صفا حیوانی شکل می‌گیر؛ یرا: «الفنفس لاما بالسوء»

«هرینه نفس، شما ا به بد عو می‌کند.» (1)

حقیقت با پیر مدا ا نفس، تنها صفا ما حیوانی انسا شد می‌کند این حالت، ا حیوانی بیش نیست بلکه به تعبیر قر کریم تا جا به پیش می که ا حیوا هم پست تر می‌شو.

«نا همچو چها پایا اند بلکه ایشا گمراه ترند» (2)

اگر می این مقابله یا بی جنبه‌ها عقلی خواسته‌ها انسانی فطر خو ا برگزیند بر این‌گزینش انتخا اصرا ، جنبه‌ها عقلی عاطفی حی ا شکوفا شده صفا انسانی ا به صو ملکه پایدا

می ید بدین‌گونه شخصیت ا پایه یز می‌شو. جمله نوانی اما علی (علیه السلام) لالت بر همین اقعیت ا .

ص: 20

1- . یوسف / 53.

2- [2] لئک کالانعا بل هم اضلّ. اعراف / 179

قلب جو مانند مین خالی است؛ هر چه بیفشانی؛ امی پذیر (1).

حضر حدیثی یگر، مراحل تکمیل عقل طبیعی ابه ما جوانی نسبت می هد.

مرحله نهایی عقل انسا تا 35 سالگی است بعدا تجربه است. (2)

جوانی همیشگی

انسا به صو طبیعی ست ا که خصلت‌ها جوانی برا ا همیشگی باشد یا تلا است که جوانی ا هرچه بیشتر ا یابد؛ قوا جسمی حی ا ضعیف نشو؛ پیر سستی اضطررا افسرگی نداشته باشد؛ پژمره نگر نشا جوانی ا حفظ کند. اما یا می‌توا همیشه جوا ماند؟ یا ممکن است صفا جوانی ا حفظ کر؟ پاسخ این سؤا باید گفت گرچه قوا جسمانی انسا سیر طبیعی خو ا اامه می هد با گذ ایا جوانی، سیر نزلی خو ا غا می‌کند، اما می‌توا نشا شابی جوانی ا

برا همیشه حفظ کر به گونه‌ا که با پیر شد کاهش قوا جسمانی، قوا حی انسا نه تنها چا کمبو نمی‌شو بلکه به افزایش باشد (یرا

ص: 21

1- «القلب الحد کالا الخالیة ما لقی فیها من شیء قبلته؛ نهج البلاغه: الكتاب 31، کشف المحجّه: ص 222 عن عمر بن ابی المقدم عن الامام الباقر عنه علیهما السلام، تحف العقول: ص 70 نحوه.

2- «وعقله فی خمس ثلاثین سنه، ما کا بعد لک فبالتجا»؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج 3، ص 493، ح 4746، مکارم الاخلاق: ج 1، ص 478، ح 1653 و فیه «یرخی» بدل «یربی»

صفا حی انسا عین استفاه ا عالم ما ، ا سیر معنو است با عالم غیب اتبا ا صو حفظ این
اتبا سیر عالم معنای تو نشا حی ا به افزایش ا) این مهم تنها سایه پرستش اطاعت بندگی
خداند متعا امکا ا یرا شابی نشا امش، خصلت‌ها حی انسا هستند می نشا گرفته ا
پر گا عالمیا است.

تفخت فیه من حی؛

ا ا خویش مید. (1)

با حفظ این اتبا معنو بین خالق مخلو، می‌توا انی سالم اشت تا هر ما که این اتبا امه یابد، شابی
نشا برقرا خواهد بو. تفسیر عیاشی ا سلیمان بن جعفر همدانی ایت شده که اما صا (علیه السلام) ا پرسیده
است: ا سلیمان! مقصو ا (فتی) (جوا) کیست؟ عر کر فدایت شو: نز ما جوا ا فتی گویند. حضرت (علیه السلام)
فرمو: مگر نمی انی که اصحا کھف همگی کامل مرانی بوند با این صف خدا ایشا ا (فتی) نامیده است؟ ا سلیمان!
فتی کسی است که به خدا ایما بیا پرهیزکا باشد. (2)

ص: 22

1- . حجر / 29.

2- . ترجمه ی تفسیر المیزان، ج 13، ص 393.

ایت یگر این چنین می خوانیم که جوانا عاقل پیر هم جواند:

« ا شا العاقل شبّ عقله ا شا الجاهل شبّ جهله؛ خرمند قتی پیر شو عقلش جوا می گر بی خر چو پیر شو
نانی ا سرگیر.»

ص: 23

گناه به معنی خلاف است و در اسلام هر کاری که بر خلاف فرمان خداوند باشد، گناه محسوب می شود. (1)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در سخنی به ابوذر فرمودند: «کوچکی گناه را ننگر، بلکه بنگر چه کسی را نافرمانی می کنی؟!». (2)

گناه چیست؟!

نہا انسا، عدالتخواهی، حق پرستی، انصاف، مرانگی، نوستی، حم، خداپرستی، علاقه به نیکی فضیلت امثال
جو ا. همچنین غرایز مانند غریزه خوخواهی، خوپرستی، انتقا جویی، احت طلبی مانند
است که به صوت پنها، انسا ا به صوت پاکی فضیلت یا به سمت ناپاکی یلت می کشاند؛ صوت ا، ا «تقوا
پاکی» صوت که لدها نامشر ناپا هستند، «گناه» می گویند.

ص: 25

1- . گناه شناسی، محسن قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، 1377.

2- . لا تنظر الی صغر الخطیئه و لکن انظر الی من عصیته، مجموعه ورام، ج 2، ص 53

«گناه» عملی است که با اِه ضایع الهی تضاع بوه، با ایجا نوعی "تایکی" معنو نفس انسا، می ا ا خدا متعا که "نو" سماها مین است، می سا .

اسلا حتّی اندیشه فکر گناه جلوگیر کره این بزگترین اه مبا ه با گناه است، چو «ا کوه هما بر ترا که است.

قرا کریم هلاکت نابو بسیا ا امتها گذشته اکه گا این جها ندگی می کردند امره نامی ا نھا صفحه تا یخ باقی نیست، معلو اعما شت گناها نھا انسته می فرماید:

یا پر گاشا اتکذیب کردند ما هم بخاطر گناهانشا، نھا اهلا کریم. (1)

آیا موضوع گناه و توبه، شدت محبت خدا به بندگان را نمی رساند؟!

کلمه ی «ذنّب» به معنای دنباله است. چرا به گناه ذنب می گویند: چون کاری است که عوارض منفی برای انسان به دنبال دارد. وقتی ما یک گناهی انجام می دهیم، در واقع برای خود ما عوارض منفی دارد اما خداوند می فرماید: بیا از این کار، توبه کن و از من معذرت خواهی کن.

ص: 26

1- . كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا - بِيَهُمْ فَأَهْلَكْنَا هُمْ بِذُنُوبِهِمْ، انفال / 54.

کلمه ی «عصیان» هم به معنای پیروی نکردن است. من ارتباط خودم را با خدا قطع کرده ام و این کار آثار وضعی نامطلوبی برای خودم دارد. اما خداوند می فرماید: تو مرا معصیت کرده ای، بیا توبه کن... آیا این، شدت محبت خداوند به بندگانش را نمی رساند؟! (1)

ریشه ی گناها

گناها ا لیه که یشه ی سایر گناها انسته شده اند:

1 . تکبر که استا سجده نکر ابلیس به مد شده به انده شد ابلیس ا با گاه الهی منجر می شو .

2 . حر که استا فریب خو حوا ابلیس مد شده به انده شد ها ا بهشت انجامید .

3 . حسد که استا هابیل قابیل مد شده به کشته شد هابیل توسط قابیل می انجامد .

تکبر، حر حسد یشه سایر گناها می باشند .

انوا گناه

اشاره

حالت کلی گناها مختلف اسلا به نو متفا یعنی گناها کبیره گناها صغیره تقسیم بند شده اند .

ص: 27

- 1- گناهانی که در مورد آنها در قرآن یا روایات اسلامی وعده ی آتش دوزخ، داده شده باشد.
 - 2- از طرف شرع، به شدت، از آن نهی شده است.
 - 3- دلیل، دلالت دارد که آن گناه، بزرگتر از بعضی از گناهان کبیره است.
 - 4- عقل، حکم کند که فلان گناه، گناه کبیره است.
 - 5- در ذهن مسلمین پای بند به دستورات الهی، چنین تثبیت شده که فلان گناه، از گناهان بزرگ است.
 - 6- از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امامان (علیهم السلام) در خصوص گناهی تصریح شده که از گناهان کبیره است.
- سپس می گویند: گناهان کبیره، بسیار است، بعضی از آنها عبارتند از:

1- ناامیدی از رحمت خدا.

2- ایمن شدن از مکر خدا.

3- دروغ بستن به خدا یا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و یا اوصیای پیامبر.

4- کشتن نابجا.

5- عقوق پدر و مادر.

6- خوردن مال یتیم از روی ظلم.

ص: 29

- 7- نسبت زنا به زن با عفت.
- 8- فرار از جبهه جنگ با دشمن.
- 9- قطع رحم.
- 10- سحر و جادو.
- 11- زنا.
- 12- لواط.
- 13- دزدی.
- 14- سوگند دروغ.
- 15- کتمان گواهی، (در آنجا که گواهی دادن واجب است).
- 16- گواهی به دروغ.
- 17- پیمان شکنی.
- 18- رفتار بر خلاف وصیت.
- 19- شرابخواری.
- 20- ربا خواری.
- 21- خوردن مال حرام.

- 22- قمار بازی.
- 23- خوردن مردار و خون.
- 24- خوردن گوشت خوک.
- 25- خوردن گوشت حیوانی که مطابق شرع ذبح نشده است.
- 26- کم فروشی.
- 27- تعرّب بعد از هجرت. یعنی انسان به جایی مهاجرت کند که دینش را از دست میدهد.
- 28- کمک به ستمگر.
- 29- تکیه بر ظالم.
- 30- نگهداری حقوق دیگران بدون عذر.
- 31- دروغگویی.
- 32- تکبر.
- 33- اسراف و تبذیر.
- 34- خیانت.
- 35- غیبت.
- 36- سخن چینی.
- 37- سر گرمی به امور لهُو.
- 38- سبک شمردن.
- 39- ترک نماز.
- 40- ندادن زکات.
- 41- اصرار بر گناه صغیره.

باید گفت که عمل استمناء بسیار یک عمل زشت و قبیح است که فقیهان و علمای دین آنرا از جمله گناهان کبیره شمرده اند. (1)

اما شرک به خدا و انکار آنچه را که خداوند دستور داده، و دشمنی با اولیای خدا، از بزرگترین گناهان کبیره می باشد. (2)

از امام موسی کاظم (علیه السلام) روایت شده است روزی _ عمرو بن عبید، دانشمند معروف معتزلی به حضور امام جعفر صادق (علیه السلام) رسید. سلام کرد و نشست و این آیه را خواند: «وَالَّذِينَ يَجْتَبِئُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ؛ و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی ها دوری می کنند.» (شورا: 37)، آن گاه از خواندن ادامه آیه خودداری کرد. امام به او فرمود: چه چیز تو را به سکوت واداشت؟ گفت: دوست دارم گناهان کبیره ای را بشناسم که در کتاب خدا بیان شده است. امام صادق علیه السلام، در پاسخ او گناهان کبیره ای را که در قرآن آمده است، چنین بیان فرمود:

الف) شرک به خداوند

مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. (مائده: 72)

ص: 32

1- . ر.ک: گناهان کبیره، آیت الله دستغیب.

2- . تحریر الوسیله، امام خمینی (رح)، ج 1، صص 274-275.

کسی که برای خدا شریک قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام می کند.

ب) ناامیدی از رحمت خدا

إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ. (یوسف: 87)

هیچ کس جز کافران از رحمت خدا نومید نمی شوند.

ج) ایمنی از مکر (عذاب و مهلت) خدا

فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ. (اعراف: 99)

در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی دانند!

د) عقوبت والدین

در آیه ای از قرآن از زبان حضرت عیسی (علیه السلام) آمده است:

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا. (مریم: 32)

خدا دستور داده که به مادرم نیکی کنم و مرا ستمگر تیره بخت قرار نداده است.

ه) کشتن انسان بی گناه

وَمَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا مَّتَعِمًّا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ

عَذَابًا عَظِيمًا. (نساء: 93)

ص: 33

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، کیفر او دوزخ است که در آن همواره خواهد بود و خدا بر او خشم می گیرد و لعنتش می کند و برایش عذابی بزرگ آماده می سازد.

(و نسبت دادن زنا به زنان پاک دامن

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. (نور: 23)

کسانی که به زنان پاک دامن و بی خبر از فحشا و مؤمن، تهمت زنا می زنند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برایشان عذابی بزرگ است.

(ز) خوردن مال یتیم

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا. (نساء: 10)

شکم خویش را پر از آتش می کنند و به آتشی فروزان گرفتار خواهند شد.

(ح) گریز از جنگ و جهاد

وَمَنْ يُؤْلِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَةٌ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بُسِّ الْمَصِيرُ. (انفال: 16)

جز آنها که برای ساز و برگ نبرد باز می گردند یا آنها که به یاری گروهی دیگر می روند و هر کس پشت به دشمن کند، به خشم خدا گرفتار می شود و جایگاه او دوزخ است و دوزخ بد جایگاهی است.

ص: 34

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ. (بقره: 275)

آنان که ربا می خورند، در قیامت مانند کسانی از قبر برمی خیزند که به افسون شیطان، دیوانه شده باشند.

ی) افسون و شعبده کردن و جدایی افکندن میان زن و شوهر

يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَرَوْجِهِ... وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ.

(بقره: 102)

میان زن و شوهر جدایی می افکندند... و خود می دانستند برای خریداران آن جادو، در آخرت بهره ای نیست.

ک) زنا

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا. (فرقان: 68 و 69)

و هر که این کارها را انجام دهد، عقوبت گناه خود را می بیند [و] عذابش در روز قیامت دو چندان می شود و تا ابد، به خواری، در آن عذاب خواهند ماند.

ل) سوگند دروغ

يَسْتُرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَخَلِاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ. (آل عمران، 77)

ص: 35

کسانی که عهد خدا و سوگندهای خود را به بهایی اندک می فروشند، در آخرت نصیبی ندارند.

م) خیانت کردن در غنایم جنگی

وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (آل عمران: 161)

هر که به چیزی خیانت کند، آن را در روز قیامت با خود خواهد آورد.

ن) نپرداختن زکات واجب

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتْكُوى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ. (توبه: 35)

روزی که در آتش دوزخ گداخته شود و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ کنند.

س) پوشاندن حق

مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. (بقره: 283)

هر کس شهادت را کتمان کند، به دل گناه کار است و خدا به کاری که می کند، آگاه است.

ع) می گساری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (مائده: 90)

ص: 36

ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و گرو بندی با تیرها، پلیدی و کار شیطان است. از آن پرهیزید تا رستگار شوید.

ف) ترک نماز و دیگر واجبات الهی

ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ. (مدثر: 42 و 43)

چه چیز شما را به دوزخ کشانید؟ می گویند ما از نمازگزاران نبودیم و به درویشان طعام نمی دادیم.

ص) پیمان شکنی و قطع رحم

وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. (رعد: 25)

و آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می شکنند و آنچه را خداوند به پیوستن آن فرمان داده است، می گسلند و در زمین فساد می کنند، لعنت بر آنهاست و بدی های آن جهان، بهره شان.

هنگامی که امام به اینجا رسید، عمرو بن عبید گریست و از محضر امام صادق (علیه السلام) خارج شد، در حالی که می گفت: «نابود شد هر که تفسیر به رأی کرد و در فضل و دانش، با شما به ستیز برخاست».⁽¹⁾

ص: 37

بعدا گناه کبیره گناه صغیره ا قرا ا که حرا بو ها ثابت قطعی است شا مقد ها «لمم» «
محقرا» نامیده است. شاید کسی نتواند یک ما ا تما گناه صغیره اما باشد به همین جهت با گناه کبیره فر
اند حدیث صحیح مده است:

« نماها پنجگانه، نما جمعه تا نما جمعه بعد، ه مضا تا ه مضا سا بعد، باعث محو گناهی می شوند که
فاصله ها انجا گرفته است به شر این که ا اتکا گناه کبیره شده باشد.

گناه صغیره به علت کثر انوا، تما انسا ها به ها مبتلا می گردند به همین خاطر است که خداوند متعا توصیف
ستا نیکوکا برگزیده خو می فرماید: نا ا شت کا ها گناه کبیره اجتنای می ند نمی فرماید که ا
گناه صغیره هم می جویند.

چرا خداوند ما ا برابر گناه صغیره تنبیه نمی کند؟

سر مطلب است که مؤاخذه نشد برابر گناه صغیره پس ا کر ا تما گناه کبیره، فضل حمتی ا طر
خداست گرنه برا هر یک ا نواهی الهی؛ کبیره صغیره، استحقاق عقوبت عقلاً ثابت است ظاهر است که مو فضل خدا کسی
است که ا جاه بندگیش بیر نر کسی که اهل عجب نا است خو ا به حقا خدا ا به عظمت نشناخته به

همین جهت گناه خو اهیچ می بیند، مو فضل خدا قرا نمی گیر بلکه چنین کسی سزا ا خذلا انتقا است.

حضر صا (علیه السلام) فرموه: «بترسید پرهیز کنید ا گناهانی که حقیر کوچک گرفته شده است. ا گفت: محقرا نو کدا است؟ اما (علیه السلام) فرمو: شخص گناهی می کند پس می گوید خوشا به حا من اگر جز این گناهی نداشته باشم پس این گناه کوچک ناچیز است. (1)

گناها صغره عبارتند از:

- نگاه کر به نامحر - تنها نشستن با اجنبی - لعنت گفتن بر انسا یا حوا - سخن گفتن قت خطبه ج-مع-ه
- نشست برخاست با افرا اشخا فاسق فاجر - شند غبت مسلما سکو کر برابر غبت کننده -
- خنده شوخی افرا نمو ا حدتجا کر - اخل کر نجاست ناپاکی مسجد - ه گرفتن ایما م-منوع-ه
- فرختن - ااه خلا عده، قت عده کر به کسی - تأخر پراخت کا فتن به حج فرضی بد عذشرع-
ی .

- جلو گر ا اشاء خو نی مو نا مر (گند ...) جهت گرا فرختن - تر سخن گفتن با برا مسلما

بش اسه بد

ص: 39

عذ شرعی - بد تحق - ق ا جانب کسی عوا کر ف ا نمو . - اء کر کا ا ما پست خرا . - > -
 و کر با یگرا - بد گ - مان - ی نسبت به مسل - مانا - ا کسی ا به یگرا افشاء کر - از - داختن - ج - است - پ -
 ل - د اه م - ر - ا م - قرا ا کسی که ، م ر ا ا اضی نس - ت - تند - گفتگ - و سخن ن - و مسجد -
 نما خواند اقا مکره - اه فتن با فخر تکبر - اصرار بر گناهان کوچک کسی که گناه صغیره ای انجام دهد و بر آن اصرار
 داشته باشد؛ به این معنی که آن گناه را ادامه می دهد و از آن توبه نکند، این موجب می شود که آن گناه از گناهان کبیره شمرده شود. (1)

عبا عا یکی ا اه ها جلوگیر ا گناه می باشد.

بلاهایی که انوا گناه بر سر ما می :

گناه، ثا ضعی فراانی ا پی ا که این امر ا مسلما است کرا انسا، چه خو چه بد، انعکا هایی همین نیا
 ا . خدا سبحا قر کریم می فرماید: هر مصدبتی به شما برسد بخاطر اعمالی است که انجا اه اید بسا انز
 عفو میکند. (2)

ص: 40

1- . تحریر الوسيله (چهار جلدی) ج 1، ص 498.

2- . « ما صابکم من مصیبه فبما کسبت یدیکم - یعفوا عن کثر » شوری / 30.

مقصود انا ضعی گناه، اثر عینی شکا است که معصیت حق تعالی همین نیا برا فر جامعه پی ا که به
برخی ا پیامدها اشاه می شو:

- یا ناامید - بیم تر - عد استجابت عا - افتا ا چشم خوبا - نز بلا فت - خشکسالی نباید با ا -
کوتاهی عمر - فقر گناه - تسلط اشرا ستمگرا

اه مباح با گناه

همه ما خواها سلامت سعا نیکبختی نیا قرا گرفتن قر الهی محشو شد با الیاء خدا خر هستیم.
اما بستر حرکت تلا جهت سید به اهدا متعالی فو بعضاً گرا گناه لوگی گرفتار می شویم . می لغزیم،
می لنگیم، می مانیم . هر با تصمیم بر عد تکرار گناه لغز می گیریم . توبه می کنیم . اما با یگر گرفتار می شویم . چه کنیم که با
گناه مباح کنیم؟

- کنتر فکر اندیشه - کنتر چشم گو - کنتر اتبا سخن - ا عامل امش - حجا حافظ عفت پاسدا

کرامت

- عبا عا - انتخا الگوها صحیح - ا ستا نابا - محبت اهل بیت (علیهم السلام) - یا خدا نعمت ها
ا - یا مر قیامت

ص: 41

عوامل گناه

1. ماده گرایی

کسانی که معنویات را فراموش کردند و جز به مادیات نمی اندیشند و خدای شان مادی گرایی شده است و برای ارضای غرایز و اشباع امیال نفسانی خود تلاش و اصرار می ورزند ولی به آنچه می خواهند نمی رسند و نتیجه ای جز اضطراب و غم و غصه نصیب شان نمی شوند. زیرا آنجا که ماده گرایی زیاد شد رقابتهای زیاد می شود و انسان نمی تواند به تمام تقاضاهای خود به طور کامل پاسخ مثبت دهد، لذا همواره در حسرت ضعفها و کمبودهای خود است. (2)

2. اندیشه فنا و مرگ

هر انسانی به یقین می داند که بعد از مدتی زندگی از دنیا خواهد رفت و از آنچه در این دنیا گرد آورده بود از دست خواهد داد و دستش را شست. کسانی که مرگ را پایان زندگی می داند و به جهان دیگری (آخرت) اعتقاد و امید ندارد فنا و نابودی است. (3)

ص: 42

1- . گر : بخش مذهبی سایت بیتوته، بینا.

2- . اکبری، محمود، جوان و ندامت، قم، عطاران، 1390، ص 17.

3- . همان

خداوند (ج) دو نوع گرایش در نفس قرار داده است: گرایش به نیکی و گرایش به بدی. زیاده خواهی در امیال غریزی را هوای نفس یا نفس اماره می گویند. (1)

یکی از خصوصیات مهم هوای نفس و هیجانات این است که به طور مداوم دستور به بدی ها می دهد! دستوراتی که زندگی شیرین انسان را در کامش تلخ می کند. هوای نفس همیشه انسان را به تمایلات سطحی و کم ارزش دعوت می کند و همین باعث می شود تا انسان به بعضی از موفقیت های که در اندیشه دارد نمی رسد در واقع مهم ترین مهم انسانها، پیروی از هوای نفس شان است. (2)

تمایلات و خواهش های دل، اگر خارج از محدوده دین و عقل باشد، به گناه و عصیان و طغیان می کشد. این خواسته های نفسانی همچون باتلاقی انسان را در خود فرو می برد و تمام شدنی هم نیست. (3)

ص: 43

1- . همان

2- . حسینی، سید محمد باقر راز حیات برتر، اصفهان، سلام سپاهان، 1397، صص 35-36.

3- - جواد محدثی، شگرد های شیطان، درسهای از نهج البلاغه، مشهد، 1393، ص 28

حضرت علی (علیه السلام) نامه ای عتاب آمیز به شریح قاضی نوشت و او را برای خریدن خانه ای تجملاتی نکوهش کرد. در ضمن آن نامه فرموده است که: «آن خانه چهار حد و ضلع دارد، یک حد آن هوس است، حد دیگرش آفت ها، حد سوم آن مصیبت هاست و حد چهارم آن به شیطان منتهی می شود و درب این خانه از همین طرف باز می شود»⁽¹⁾

هوای نفس گاهی از راه چشم و گوش، گاهی غرایز جنسی، گاهی شکم و لذایذ، گاهی ریاست و مقام، گاهی پول و دنیا طلبی و ... بروز می کند و همه اینها ابزار شیطان است تا انسان را گمراه و گناهکار کند. به همین جهت مبارزه با نفس اماره و کنترل هوای نفس، «جهاد اکبر» دانسته شده است.

خواهی نخوری ز تیم ابلیس شکست

باید به دفاع از دل و دیده نشست

چون «شوت» شود به سوی دل توپ گناه

دروازه دل به روی آن باید بست⁽²⁾

عوامل تشدید گناهان

اشاره

از آیات و روایات استفاده می شود که در چند مورد، گناهان کوچک تبدیل به گناهان بزرگ می شوند.

ص: 44

1- نهج البلاغه، نامه 3.

2- محدثی، جواد، برگ و بار، ص 304.

1. اصرار بر گناه

تکرار گناهان کوچک آنرا به گناهان بزرگ تبدیل می کند و اگر انسان حتی یک گناه کند، ولی استغفار نکند و در فکر توبه هم نباشد، اصرار بر گناه محسوب می شود. قرآن درباره پرهیزکاران می فرماید.

آنان آگاهانه بر گناهانشان اصرار نمی ورزیدند. (1)

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق می فرماید: اصرار، عبارت از این است که کسی گناهی را کند و از خدا آمرزش نخواهد و در فکر توبه نباشد.

2. کوچک شمردن گناه

کوچک شمردن گناه، آن را به گناه بزرگ تبدیل می کند، برای روشن شدن موضوع به مثال های زیر توجه کنید.

اگر کسی سنگی بسوی شما پرتاب کند، ولی بعداً پشیمان شده و عذر خواهی کند، ممکن است او را ببخشیم، ولی اگر سنگ ریزه ای به ما بزند، و در اعتراض ما بگوید: این که چیزی نیست؛ او را نمی بخشیم، زیرا این کار، از روح استکباری او پرده بر می دارد و بیانگر آن است که گناهِش را کوچک می شمرد (2)

امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرماید:

ص: 45

1- . وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ . سورة آل عمران، آیه 135

2- . محمود اکبری، پیشین ، ص 20

از گناهان نابخشودنی این است که انسان بگوید: کاش مرا به غیر از این گناه مجازات نکنند یعنی آن گناه مورد اشاره را کوچک بشمارد. (1)

3. اظهار خوشحالی هنگام گناه

لذت بردن از گناه و شادمانی هنگام انجام گناه، از اموری است که گناه را بزرگ می کند و موجب کیفر بیشتر می شود. امام علی (علیه السلام) فرمود:

[بدترین] بدها کسی است که به انجام بدی خوشحال گردد. (2)

و نیز فرمود:

عذاب دردناک گناه، شیرینی آن را تباه می سازد. (3)

یکی دیگر از اموری که موجب تبدیل گناه کوچک به گناه بزرگ می شود، طغیان و سرکشی در انجام گناه است. قرآن کریم می فرماید:

و اما آنها که طغیان کردند و زندگی دنیا را مقدم شمردند، بی گمان جایشان دوزخ است. (4)

ص: 46

1- من الذنوب التي لا يغفر قول الرجل ليتني لا أؤخذ الا بهذا؛ تحف العقول، ص 486.

2- شرالاشرار من يتبجح بالشر، عيون الحكم و المواعظ، ص 294؛ تصنيف غررالحكم، ص 105.

3- حلاوه المعصيه يفسدها اليم العقوبه، ادامه حديث.

4- فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى؛ نازعات / 37-39.

4. مغرور شدن به مهلت الهی

یکی از اموری که گناه کوچک را به گناه بزرگ تبدیل می کند، آن است که گنهکار مهلت خدا و مجازات نکردن سریع او را دلیل رضایت خدا بداند و یا خود را محبوب خدا بداند. خداوند در قرآن می فرماید:

گناهکاران در دل می گویند: چرا خداوند ما را به خاطر گناهانمان عذاب نمی کند؟ جهنم برای آنها کافی است، وارد آن می شوند و بد جایگاهی است. (1)

عذاب جهنم برای چنین افرادی، دلیل آن است که گناه افرادی که مغرور به عدم مجازات سریع خداوند هستند، گناه کبیره است. (2)

5. تجاهر به گناه

آشکار نمودن گناه نیز یکی از موارد است که انسان را مغرور کرده و گناه کوچک را به گناه بزرگ تبدیل می کند، و این نشانه بی باکی بیشتر گنهکار است و باعث آلوده کردن جامعه و عادی نمودن گناه می گردد.

از این رو جامعه به فساد کشیده شده و تباه می شود. و یکی از بزرگترین و سخت ترین گناهان به شمار می رود.

ص: 47

1- . وَيُقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلُّونَهَا فِئْسَ الْمَصِيرُ؛ مجادله / 8.

2- . محمود اکبری، پیشین، ص 22.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

از آشکار نمودن گناهان بپرهیز که آن از سخت ترین گناهان است. (1)

آثار گناهان

اشاره

در روایات، به آثار و پیامدهای فراوان گناه اشاره شده است. برخی از این آثار، مربوط به روح و قلب انسان اند، برخی مربوط به دین او و برخی به دنیای او است.

1. آثار وضعی گناه

گناهان آثار وضعی عجیبی دارند. اگر بدانیم گناه با قلب و دل و روح و جان آدمی چه می کند، هرگز گرد آن نمی رویم. ابن مسعود از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

از گناهان بپرهیزید؛ زیرا خیرات را از بین می برد. بنده گاهی گناه می کند و دانشی را که آموخت از یادش می رود، و بنده گاهی می کند و از قیام در شب باز می ماند، و بنده گاهی می کند و از روزی اش محروم می شود، در حالی که روزی برای او گوارا بود.

2. آثار گناه بر دل انسان

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

ص: 48

1- . ایاک والمجاهره بالفجور فإنها من اشد الآثم؛ عیون الحکم و امواعظ، ص 95؛ تصنیف غرر الحکم، ص 462.

برای دل چیزی تباه کننده تر از گناه نیست؛ زیرا دل، مرتکب گناه می شود و بر اثر مداومت بر آن، گناه بر آن چیره می گردد و نگونسارش می کند.

چه چیزی قلب و روح و جان ما را فاسد و آلوده می کند؟ خطر هیچ چیز برای جان و روح و باطن ما بیشتر از گناه نیست. آدم نادان می گوید: حالا می روم عیش و نوشم را می کنم، بعد هم می روم توبه می کنم. گاهی قلب با گناه آمیخته می شود و بیشتر و بیشتر در لجنزار گناه فرو می رود و وارونه می شود و بر اثر اصرار بر گناه منکر گناه بودن گناه می شود.

کسی که غرق در ربا می شود، می گوید: چه کسی ربا را حرام کرده است؟ ثعلبه از اصحاب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بود. در صف اول نماز، پشت سر آن حضرت نماز می خواند. اما حب مال دنیا او را گرفت و منکر زکات شد. گفت: زکات یعنی چه؟! و مرتد شد. (1)

قلب انسان بر اثر گناه و اصرار و مداومت بر آن منقلب و معکوس می شود. مثل ظرفی که وارونه می شود. قلب اگر وارونه شود، دیگر یک قطره از رحمت الهی در آن نمی ماند. ببینید چه خطر بزرگی در کمین است. یعنی اصول دین ما را هم از بین می برد. نگوییم گناه می کنیم، اهل بیت (علیهم السلام)

ص: 49

گفته اند ما را رها نمی کنند. ممکن است اصل اتصال به اهل بیت (علیهم السلام) با گناه کردن قطع شود.

خداوند در قرآن منی فرماید:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ (1)

سپس سر انجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند!

« أَصَاؤُوا السُّوْأَىٰ » یعنی بدی پشت سر بدی. عاقبتش هم « كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ » « تکذیب نشانه های خداوند » است. باید مراقب این خطر جدی باشیم که ممکن است با مداومت بر گناه از اهل بیت: فاصله بگیریم و از آنان جدا شویم. (2)

3. زوال نعمت

یکی از سنت های الهی آن است که اگر ملتی به گناه آلوده گردد خدا نعمت های را که به آنها بخشیده است از آنان می گیرد، مگر آن که توبه کند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

گناهان نعمت ها را تغییر می دهند. (3)

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

ص: 50

1- . روم / 10.

2- . حبیب الله فرحزاد، پیشین، ص 87.

3- . الذنوب تغیر النعم، مستدرک، ج 12، ص 334.

به خدا سوگند هیچ ملتی از نعمت محروم نمی گردند مگر به واسطه گناهایی که مرتکب شده اند. (1)

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

خداوند بر خود قضای حتمی نموده است که وقتی نعمتی را به بنده ای بخشید، از او بازپس نگیرد مگر اینکه گناهی از او سرزند و به خاطر آن گناه، مستحق سلب آن نعمت شود. (2)

در دعای کمیل می خوانیم:

اللهم اغفر لی الذنوب التي تغير النعم (3)

بار خدایا! بر من ببخش آن گناهی را که موجب تغییر نعمت ها می شود

پرسش: اگر گناه موجب از دست دادن نعمت است، پس چرا برخی از گناهان و ستمگران و افراد آلوده، این همه در ناز و نعمت هستند و گناه آنان موجب زوال نعمت آنها نمی شوند؟

پاسخ: جواب این پرسش را قرآن داده است، آنجا که می فرماید:

آنان که کافر شدند و راه طغیان را پیش گرفتند تصور نکنند که

ص: 51

1- . و ایم الله ما كان قدم قط في غض من عيش فزال عنهم الا بذنوب اجترحوها؛ نهج البلاغه، خطبه 188.

2- . ان الله عز و جل قضی قضاء حتماً لا ینعم علی العبد فیسلبها اياه حتی یعدث العبد ذنباً یتحق بذلك النقمه؛ المیزان، ج 9، ص 110، بحار الانوار، ج 73، ص 334.

3- . دعای کمیل

اگر به آنان مهلت می‌دهیم این به سود آنهاست، ما به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند و عذاب سختی برای آنان باشد. (1)

چون این افراد در دنیا کار خیر هم دارند، خداوند به جهت جبران کارهای خیر آنها در دنیا به آنان نعمت می‌دهد تا آخرت از خداوند طلبکار نباشند علاوه بر این، خداوند گاهی به این گونه افراد، نعمت فراوانی می‌دهد و هنگامی که غرق لذت و سرور شدند، ناگهان همه چیز را از آنان می‌گیرد تا حد اکثر شکنجه را در زندگی دنیا ببینند، چرا که جدا شدن از چنین زندگی مرهمی بسیار ناراحت کننده خواهد بود. (2)

4. نزول بلا

اثر دیگری که برای گناه ذکر شده است، نزول عذاب الهی است. وقتی گناه فراوان شد موجب خشم خداوند می‌شود و خشم خداوند باعث نزول بلا می‌شود.

قرآن در آیاتی چند به گناهکاران هشدار داده است که مواظب رفتار خود باشند، در اینجا به دو نمونه از این آیات اشاره می‌شود.

ص: 52

1- . وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ سوره آل عمران آیه 178.

2- . ر.ک: انعام / 44.

آیا مردم آبادی ها، خودشان را در امان می بینند که بلای ما شب هنگام بر آنان برسد در حالی که آنان در خوابند؟(1)

آیا مردم آبادی ها خود را در امان می بینند که بلای ما روز هنگام بر آنان نازل شود در حالی که سرگرم لهو و لعب و خوشگذانی هستند. (2)

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

از گناهان پرهیزید که هیچ بلا و کمبودی نیست مگر به خاطر گناهی، حتی خراشی که بر بدن وارد می شود، لغزیدن و زمین خوردن شما و مصیبتی که بر روح و جسمتان وارد می شود. (3)

در دعای کمیل می خوانیم:

اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء

خداوندا! بر من ببخش آن گناهی را که موجب نزول بلا می شود.

ص: 53

1- . أَفَأَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ سورة اعراف آیه 97.

2- . أو أمن أهل القرى أن يأتهم بأسنا ضحى وهم يلعبون. همان / 98.

3- . توفوا الذنوب فما من بليه ولا نقص رزق الا بذنب حتى الخدش والكبوه والمصيبه. بحار الانوار، ج 70، ص 350.

گناه، یکی از عوامل کوتاه شدن عمر است عمر و زمان مثل جسم انسان با ارزش است بلکه با ارزش تر از جسم انسان وقتی انسان بخاطر چیزی زمان خود را صرف می کند در اصل قسمت از جسم خود را داده است. و گناه یکی از عوامل خطرناک است که زمان انسان را هدر داده و عمر انسان را کوتاه می کند گناهان انسان را می میراند و نامه اعمال انسان را سیاه می کند.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید:

کسانی که بر اثر گناهان می میرند، بیش از کسانی هستند که بر مرگ طبیعی از دنیا می روند. [\(1\)](#)

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

پناه بر خدا از گناهایی که انسان را به سرعت نابود و اجل ها را نزدیک میکند و شهر و دیار را خالی از سکنه میکند و آن قطع رحم، عاق والدین و ترک نیکی است. [\(2\)](#)

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود:

ص: 54

1- . می يموت بالذنوب أكثر ممن يموت بالآجال امالی صدوق، ج 1، ص 331.

2- . نعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء و تقرب الآجال و تخلی الديار و هي قطيعه الرحم والعقوق و ترک البر؛ کافی، ج 4، ص 182.

هر گاه پس از من زنا پدیدار شود مرگ ناگهانی فراوان میگردد. (1)

6. تباهی ایمان

عقل و وجدان دو عاملی هستند که انسان را در مقابل شیطان و نفس اماره محافظت میکنند، ولی بر اثر گناه، این دو حساسیت خود را از دست میدهند.

گناه و آلودگی همچون بیماری خوره به جان انسان می افتد و روح ایمان را می خورد و از بین می برد و کار به جایی میرسد که سر از تکذیب آیات الهی در می آورد (2). قرآن می فرماید:

سپس سر انجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند. (3)

7. تاریکی دل

نفس انسان در ابتدا، همچون صفحه ای سفید و خالی از هر نقش و نگاری است و نور فطرت، استعداد رسیدن به کمالات انسانی را در او مهیا نموده ولی به واسطه ارتکاب معاصی، در دل کدورت و سیاهی به وجود می آید و رفته رفته تمام صفحه قلب او تیره و تار می شود و از نعمت های الهی محروم خواهد شد (4).

ص: 55

1- . إذا ظهر الزنا من بعدی کثر موت الفجاء؛ همان، ص 81.

2- . اکبری، محمود، جوان و ندامت.

3- . ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَابُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ. سورة روم آیه 10.

4- . اکبری، محمود، جوان و ندامت، ص 28.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

هنگامی که شخصی مرتکب گناه می شود، در قلب او نقطه سیاهی به وجود می آید؛ پس اگر توبه کند، آن نقطه سیاه از بین می رود و اگر گناهان او زیاد شود آن قدر سیاهی دل او زیاد می شود که دیگر رستگار نخواهد شد. (1)

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

هیچ چیز مانند گناه دل را فاسد نمی کند، همانا قلب با گناه در می آمیزد تا جایی که گناه بر آن چیره می شود و آن را زیر و رو می کند(2)

8. قساوت قلب

دل انسان در حالت سلامت، از لطافت و رقت خاصی برخوردار است. به طوری که در سایه این رقت و لطافت شدیداً از علل و عوامل معنوی و ملکوتی متأثر می شود و همین تأثیر معنوی استعدادهای عالیه او را شکوفا و به عروج او در مراتب معنوی کمک می کند. آنچه این سلامت را تهدید می کند، گناه و معصیت است. انسان هر بار که دست به سوی معصیتی دراز می کند از لطافت روحی و رقت معنوی اش کاسته می گردد تا آنجا که به تدریج آثار خشونت و کاهش رقت قلب حتی در سیمای او بخصوص در دیدگان او ظاهر می شود. هرچه انسان بر معصیت و گناه اصرار ورزد به همان اندازه قساوت، جای رقت را

ص: 56

1- . إذا أذنب الرجل خرج في قلبه نكته سوداء فإن تاب انمحت و إن زاد زادت حتى تغلب على قلبه فال يفلح بعدها أبداً كافي، ج 2، ص

271؛ بحار الانوار، ج 73، ص 232.

2- . بحار الانوار، ج 73، ص 312.

می گیرد و در اعماق قلب انسان ریشه می کند و در نتیجه از ادراکات و لذت های معنوی باز می ماند و روشنایی قلبی و نورانیت درون را از دست می دهد. از این رو با توسل به عوامل مختلف سعی می کند از خود بگریزد.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

دلها سخت نمی شود مگر به واسطه زیادی گناهان. (1)

9. فکر گناه

فکر بر گناه هم انسان را به گناه می کشاند زمانیکه ما در فکر گناه می افتیم بالاخره اگر خود را کنترل نکنیم هوای نفس و شیطان درونی ما سراغ ما می آید و ما را به فساد و تباهی می کشاند.

مثال: در فکر گناه بودن یعنی در اتاق سفید و پاکیزه دود کردن است. ذهن آدمی هم بسیار شفاف تر از اتاق های خانه است و گناه مثل دود سیاه و بدبوی می ماند که اگر به فکرش باشیم اذهان ما را آلوده و کثیف می کند.

امام علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید:

کسی که در اطراف گناه بسیار بیندیشد، سرانجام به آن کشیده خواهد شد. (2)

ص: 57

1- . و ما قست القلوب إلا لكثرة الذنوب. همان، ج 70، ص 55.

2- . من كثر فكره في المعاصي دعتة اليها؛ غرر الحکم، ح 8561.

آیت الله مرتضی مطهری (رح) در این باره می گوید:

این را ما مکرر گفتیم:

قرآن در مورد گناهان تعبیراتی دارد که معنایش این است. خصلت گناه این است که « بار انسان را سنگین می کند » یعنی هر یک گناهی به منزلی یک باری است که روی دوش انسان گذاشته می شود، و گناه دیگر بار دیگر. به طوری که انسان در آخر احساس می کند که کانه زیر کوهی الان دارد زندگی می کند. یک کوهی دارد روی او فشار می آورد. برخلاف مردم اهل خیر که هر چه بیشتر کار خیر انجام می دهند احساس می کنند بال دارند در می آورند. و لهذا به گناه گفته می شود «ذنب» که از ماده «ذنب» است. «ذنب» یعنی دُم ...

آدم هر چه که گناه بکند مثل اینکه یک دُم برایش می روید. روز به روز دُمش گنده تر می شود. که اصلاً کم کم حرکت را برایش دشوار می کند. یا در تعبیر دیگری قرآن تعبیر «وِزْر» می کند. وِزْر یعنی بار سنگین. (1)

« وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى » (2)

ص: 58

1- . مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج 13، صفحه 104.

2- . زمر / 7؛ و چهار آیه دیگر.

[و هیچ سنگین باری، بار گناهان دیگری را بر نمی دارد]

پس چه خوب است که در این دنیا و در عالم آخرت بار سنگین گناهان را بر خود تحمیل نکنم و همچون اولیاء الله بسوی یار محبوب پرواز کنان پرواز کنیم و به دیار یار بشتابیم و ساکن دیار یار شویم و خود را از گناهان سبک کنیم تا زودتر برسیم.

11. گناه، گناه می رویاند.

انسانی که گناهی مرتکب نشده باشد، گناه کردن برایش بسیار سخت و دشوار است و نمی تواند گناه کند. اما اگر خدای ناخواسته گناهی مرتکب شد، دفعه بعد انجام گناه برایش آسان می شود. دفعه دیگر آسانتر. بالاخره اگر به همین منوال ادامه پیدا کند سر از کفر و نفاق و تکذیب در خواهد آورد و در تور شیطان خواهد افتاد دیگر به آسانی نمی تواند بسوی نور که خداوند نور (آسمان ها و زمین است) برود. پس از این نتیجه می گیریم که اگر گناه کنیم، گناه دیگر برایمان آسانتر خواهد بود و همین طور رفته رفته با خدای مان خواهیم جنگید. باید خیلی مواظب باشیم و مراقبت کنیم که دچار گناه و دام های زهرآگین شیطان نشویم و گناهی مرتکب نشویم. وقتی فکر گناه به سر مان زد و در فضای گناه آلود قرار گرفتیم باید به خدای علی الاعلی پناه ببریم و از او کمک بطلبیم که تنها کننده در آن مواقع اوست.

ص: 59

امام صادق(علیه السلام) از پدرانش روایت کرده که امیر مؤمنان علی(علیه السلام) فرمود: عیسی بن مریم(علیه السلام) گفته است: خوشا به سعادت آنکه سکوتش فکر کردن، نگاهش پند پذیرفتن است و خانه اش بزرگ است و بر گناهان خویش می گیرد و مردم از دست و زبان او در آرامش هستند. (1)

پاسخ امام علی(علیه السلام) به پیام معاویه

** (ترجمه) در فروتنی به درگاه خدا:

امام علی(علیه السلام) می فرماید:

اگر درباره گناهان خود فکر می کنم، گناهانم زیاد است و رحمت خدا از گناهان من وسیع تر است.

من به کارهای خوب خود دل بسته ام بلکه چشم به رحمت خدا دوخته و امید لطف دارم.

با چنین وضعی که من دارم اگر خدا مرا ببخشد این از رحمت اوست و اگر کیفر برای من در نظر بگیرد، من چه خواهم کرد؟

ص: 60

خدا صاحب اختیار، معبود، پروردگار و حافظ من است و من بنده خدا هستم. به بندگی اقرار دارم و سر تسلیم فرود آورده ام. (1)

مصونیت از گناه و اشتباه

از جمله مختصات پیامبران «عصمت» است. عصمت یعنی مصونیت از گناه و از اشتباه، یعنی پیامبران نه تحت تاثیر هواهای نفسانی قرار می گیرند و مرتکب گناه می شوند و نه در کار خود دچار خطا و اشتباه می شوند. بر کناری آنها از گناه و از اشتباه، حد اعلای قابلیت اعتماد را به آنها می دهد. اکنون ببینیم این مصونیت به چه صورت است؟ آیا مثلاً به این صورت است که هر وقت می خواهند مرتکب گناه یا اشتباه شوند یک مامور غیبی می آید و مانند پدری که مانع لغزش فرزندش می شود جلوی آنها را می گیرد؟ و یا به این صورت است که پیامبران سرشت و ساختمانشان طوری است که نه امکان گناه در آنهاست و نه امکان اشتباه، آنچنانکه مثلاً یک فرشته زنا نمی کند به دلیل اینکه از شهوت جنسی خالی است و یا یک ماشین حساب اشتباه نمی کند به دلیل اینکه فاقد ذهن است؟ و یا اینکه گناه نکردن و اشتباه نکردن پیامبران معلول نوع بینش و درجه یقین و ایمان آنهاست؟ البته تنها همین شق صحیح است. اکنون هر یک از این دو مصونیت را جداگانه ذکر می کنیم. اما مصونیت از گناه: انسان یک موجود مختار است و کارهای خویش را بر اساس منافع و مضار و مصالح و

ص: 61

مفاسدی که تشخیص می دهد انتخاب می کند، از این رو «تشخیص» نقش مهمی در اختیار و انتخاب کارها دارد، محال است که انسان چیزی را که بر حسب تشخیص او مفید هیچ گونه فایده ای نیست و از طرف دیگر زیان و ضرر دارد انتخاب کند، مثلاً انسان عاقل علاقمند به حیات، دانسته خود را از کوه پرت نمی کند و یا زهرکشنده را نمی نوشد. افراد مردم از نظر ایمان و توجه به آثار گناهان متفاوت اند، به هر اندازه که ایمانشان قوی تر و توجه شان به آثار گناهان شدیدتر باشد، اجتنابشان از گناه بیشتر و ارتکاب آن کمتر می شود. اگر درجه ایمان در حد شهود و عیان برسد، به حدی که آدمی حالت خود را در حین ارتکاب گناه حالت شخصی ببیند که می خواهد خود را از کوه پرت کند و یا زهر کشنده ای را بنوشد، در اینجا احتمال اختیار گناه به صفر می رسد، یعنی هرگز به طرف گناه نمی رود. چنین حالی را «عصمت از گناه» می نامیم. پس عصمت از گناه ناشی از کمال ایمان و شدت تقواست. ضرورتی ندارد که برای اینکه انسان به حد «مصونیت» و «معصومیت» از گناه برسد یک نیروی خارجی جبراً او را از گناه باز دارد و یا شخص معصوم به حسب سرشت و ساختمان، مسلوب القدره باشد. اگر انسانی قدرت بر گناه نداشته باشد و یا یک قوه ای جبری همواره جلوگیری او از گناه باشد، گناه نکردن او برایش کمالی شمرده نمی شود، زیرا او مانند انسانی است که در یک زندان حبس شده و قادر به خلافتکاری نیست. خلافتکاری نکردن چنین انسانی را به حساب درستی و امانت

او نتوان گذاشت. اما مصونیت از اشتباه: مصونیت از اشتباه نیز مولود نوع بینش پیامبران است. اشتباه همواره از آنجا رخ می دهد که انسان به وسیله یک حس درونی یا بیرونی با واقعیتی ارتباط پیدا می کند و یک سلسله صورتهای ذهنی از آنها در ذهن خود تهیه می کند و با قوه عقل خود آن صورتهای تجزیه و ترکیب می کند و انواع تصرفات در آنها می نماید، آنگاه در تطبیق صورتهای ذهنی به واقعیتهای خارجی و در ترتیب آن صورتهای گاه خطا و اشتباه رخ می دهد. اما آنجا که انسان مستقیماً با واقعیتهای عینی به وسیله یک حس خاص مواجه است و ادراک واقعیت عین اتصال با واقعیت است نه صورتی ذهنی از اتصال با واقعیت، دیگر خطا و اشتباه معنی ندارد. پیامبران الهی از درون خود با واقعیت هستی ارتباط و اتصال دارند. در متن واقعیت، اشتباه فرض نمی شود، مثلاً اگر ما صد دانه تسبیح را در ظرفی بریزیم و باز صد دانه دیگر را، و این عمل را صد بار تکرار کنیم، ممکن است ذهن ما اشتباه کند و خیال کند این عمل نود و نه بار و یا صد و یک بار تکرار شده است، اما محال است که خود واقعیت اشتباه کند و با اینکه عمل بالا صد بار تکرار شده است مجموع دانه ها کمتر یا بیشتر بشود. انسانهایی که از نظر آگاهیها در متن جریان واقعیت قرار می گیرند و با بن هستی و ریشه وجود و جریانها متصل و یکی می شوند، دیگر از هرگونه اشتباه مصون و معصوم خواهند بود. (1)

ص: 63

1- . مرتضی مطهری، معصونیت از گناه و اشتباه، صص 1-2.

گام اول: برای رهایی از گناه توجه به زشتی گناه و پذیرش زشتی آن است.

گام دوم: تصمیم به رهایی از گناه

گام سوم تعقل است.

امام صادق(علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود:

ای پسر جندب، قبل از هر کاری و پیشامدی به پیامد آن فکر کن(1).

1. باور به حضور خدا

ایمان و اعتقاد به اینکه همه ما در محضر خداوند هستیم در بازدارندگی انسان از گناه نقش اساسی دارد. قرآن می فرماید:

آیا انسان نمی داند که خداوند همه اعمالش را می بیند؟(2)

و در آیه دیگر می فرماید:

خداوند چشم هایی را که به خیانت گردش می کنند می شناسد و به آنچه در سینه ها پنهان است آگاهی دارد.(3)

ص: 64

1- . یابن جندب قف عند کل امر قبل ان تقع فیه، بحار، ج 75، ص 283.

2- . أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى. (علق / 14).

3- . يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ مؤمن / 19.

این آیات به روشنی بیان می کند که همه ما در محضر خدای بزرگ هستیم و هر جا، چه پنهانی و چه آشکار کاری کنیم و حتی اگر در فکر و معز خود گناهی بیروانیم خداوند از آن آگاه است و نیز می فرماید:

آیا نمی دانستند که خداوند، اسرار و سخنان که در گوشه آنها است را می داند؟ و خدا دانای رازهای پنهانی است. (1)

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

از معصیت خدا در پنهان و خلوتگاه ها بپرهیزید زیرا شاهد همان دادرس است. (2)

قرآن می فرماید:

و گناه را، چه آشکار باشد و چه پنهان، ترک گوئید، آنان که مرتکب گناه می شوند، به زودی به سزای اعمال خود خواهند رسید. (3)

2. معاد باوری

ایمان به معاد و روز جزا و باور به پاداش و کیفر اعمال و اعتقاد به اینکه هیچ کدام از نیکی ها و بدی های ما نابود نمی شوند بلکه در نزد خدای تعالی پابرجا

ص: 65

1- . أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ؛ توبه / 78.

2- . اتقوا معاصی الله فی الخلوات فإن الشاهد هو الحاکم؛ نهج البلاغه، خطبه 324.

3- . وَذُرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيَجْزُونَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ؛ انعام / 120.

است و هر کس در روز جزا مصروف و مشغول اعمال خویش است و به فرموده قرآن هر آنچه را انجام داده است حاضر می بیند:

روزی که هر کس هر آنچه از نیک و بد کرده است حاضر می یابد و آرزو می کند کاش میان او و کار بدش فاصله ای دور بود، و خدا شما را از [کیفر] خود بر حذر می دارد، و خدا به بندگان رثوف است(1).

کسانی که به روز جزا ایمان دارد، و اعتقادش این است که یک روزی تمام کارهای خوب و بد محاسبه خواهد شد و همه اعمالش غریب و رسیدگی خواهد شد و پاداش آنها را خواهد دید، بنا بر این هرگز دست به کار خطا نخواهد زد و همیشه مراقب رفتار و کردارش خواهد بود.

3. عرضه اعمال

یکی از باورهای دینی عرضه اعمال بر پیشوایان دینی است.

انسان وقتی بداند اعمال و رفتارش بر مولایش عرضه می شود نسبت به اعمال خود بطور دقیق نظارت دارد و توجه بیشتر دارد و همواره می کوشد تا با ترک گناهان رضایت و خوشنودی مولایش را کسب کند.

قرآن می فرماید:

بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می بیند و به زودی به سوی کسی باز می گردد که پنهان و

ص: 66

1- . يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحَدَّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ؛ آل عمران / 30.

آشکارا می داند و شما را به آنچه عمل می کنید خبر می دهد. (1)

4. یاد مرگ

یکی از بهترین بازدارنده از گناهان (یاد مرگ) است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

مرگ را [فراوان] یاد کنید؛ زیرا هیچ بنده ای آن را بسیار یاد نکرد، مگر اینکه خداوند دلش را زنده گردانید و مردن را بر او آسان ساخت. (2)

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

یاد مرگ، خواهش های نفس را می میراند و رویشگاه های غفلت را ریشه کن می کند و دل را با وعده های خدا نیرو می بخشد و طبع را نازک می سازد و پرچم های هوس را درهم می شکنند و آتش آزمندی را خاموش می سازد و دنیا را در نظر کوچک می کند. (3)

ص: 67

1- . وَقُلْ اَعْمَلُوا فَاَسِيْرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ وَسَتُرَدُّوْنَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ؛ توبه / 105.

2- . اَكْثَرُوْا ذِكْرَ الْمَوْتِ، فَمَا مِنْ عَبْدٍ اَكْثَرَ ذِكْرَهُ اِلَّا اَحْيَا اللّٰهُ قَلْبَهُ وَهَوَّنَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ؛ كنز العمال، ح 42105.

3- . ذِكْرَ الْمَوْتِ يَمِيْتُ الشَّهْوَاتِ فِي النَّفْسِ، وَيَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ، وَيَقْوِي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللّٰهِ، وَيَرْقُّ الطَّبْعَ، وَيَكْسِرُ اَعْلَامَ الْهَوَىٰ وَيَطْفِئُ نَارَ الْحَرَصِ، وَيُحَقِّقُ الدُّنْيَا؛ بحار الانوار، ج 32، ص 133، ح 6.

به یاد مرگ باشیم تا شیطان نتواند توسط شگرد هایش ما را به فساد بکشاند. یاد مرگ انسان را از فحاشی و معاصی باز می‌دارد و او را به یاد خدا و روز قیامت می‌اندازد. اگر نمی‌توانید همیشه به یاد مرگ باشید روز های پنجشنبه یا جمعه به قبرستان ها بروید و حس کنید که روزی در اینجا خواهیم خوابید و این تأثیر زیادی بر روح و روان انسان دارد.

5. نماز و عبادت

نماز درمان درهای بی‌درمان است. نماز اگر به روش صحیح و با شرایط انجام شود بهترین وسیله برای سرکوب کردن شیطان و زدودن گناهان است.

و انسان را از باتلاق گناه به سوی محبوب خود [خدا] می‌برد.

خداوند در آیه ای از قرآن نماز را راهی برای دوری از گناهان می‌داند و می‌فرماید:

به درستی که [نماز] انسان را از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. (1)

ستون دین نماز است اگر خانه ای سقف نداشته باشد فرو خواهد ریخت، پس نماز هم ستون دین انسان است و نماز انسان را به سعادت و معنویات الهی سوق می‌دهد و ورزشی است برای روح انسان و باعث از بین بردن گناهان می‌شود.

ص: 68

1- . إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ عنكبوت / 45.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

ستون دین [نماز] است و نماز، نخستین عمل فرزند آدم است که به آن رسیدگی می شود؛ اگر درست بود به دیگر اعمالش رسیدگی می شود و اگر درست نبود به سایر اعمالش هم رسیدگی نمی شود. (1)

6. بر حذر داشتن از گناه در خلوتگاه

یکی از ویژگی های مؤمن این است که در خوتگاه از خدا شرم کرده و معاصی خدا نمی کند اگر خدا شاهد اعمال ما هستند همان خدا در روز قیامت داور است و اعمال ما را محاسبه می کند.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

از معاصی خدا در تنهاییهای خود پرهیزید؛ زیرا آن که شاهد است [یعنی خداوند]، همان داور است. (2)

7. دوری از گنهکاران

در علم پزشکی این واقعیت مورد قبول همه پزشکان قرار گرفته که برای حفظ سلامتی و بهداشت علاوه بر این که از میکروب بیماری باید اجتناب کرد، از بیماران خطرناک نیز باید فاصله گرفت. زیرا در اثر کمترین برخورد و تماس،

ص: 69

1- . ان عمود الدین الصلاة، و هی أول ما ینظر فیه من عمل ابن آدم، فإن صحّت نظر فی عمله، و ان لم تصحّ لم ینظر فی بقیه عمله؛ میزان الحکمه، باب؛ نماز، آثار گناه

2- . اتقوا معاصی الله فی اللخلوات، فإن الشاهد هو الحاکم؛ بحار الانوار، ج 25، ص 70، ح 78.

ممکن است عامل بیماری از بیمار به شخص سالم سرایت نماید. از همین جهت پزشکان با تجهیزات کامل و مراقبت های پزشکی با بیماران خطرناک ارتباط برقرار می کنند.

پس از این، این نتیجه را می گیریم که افراد مضر و گنهگار مثل ویروس و مکروب در چهار اطراف ما وجود دارد و اگر با آنها رابطه دوستی برقرار کنیم ما را از راه درست بدر خواهد کرد و ویروسی خواهیم شد. پس از آدم های مضر و مهلک دوری کنیم تا از حق غافل نمانیم.

قرآن در این باره می فرماید:

(و [روز قیامت] روزی است که ستمگر دستان خود را می گزد و می گوید: ای کاش با پیامبر همراهی می کردم. وای بر من! کاش فلان را به دوستی نمی گرفتم، و او [بود که] مرا از یاد[حق] به گمراهی کشانید، پس از آن که (یاد حق) به من رسیده بود. و شیطان همواره فرو گذارنده انسان است). (1)

همنشینی با کسی که آنچه برای خودش می بیند و می پسندد برای تو نمی بیند، خیری برای تو در بر دارد. (2)

ص: 70

1- . وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا؛ فرقان، 27-29.

2- . لا خير لك في صحبه من لا يري لك مثل الذي يري لنفسه.

امام سجاد(عليه السلام) فرمود:

بپرهیزید از همنشینی با گنهکاران. (1)

ص: 71

1- . إياكم و صحبه العاصين؛ كافي، ج 8، ص 16.

فصل سوم: توبه

اشاره

ص: 72

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ(1)

پروردگارا ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود.

اشگ غمی بریز و زجرم و خطا گریز

برخیز و بی ریا به در کبریا گریز

سرگش-ته تا به کی به بیابان در آفتاب؟

ای خسته دل، به سایه لطف خدا گ-ریز

کی پیکر ضعیف ترا تاب آتش است؟

بر خود ببخش و ز آتش قهر خدا گریز(2)

ص: 73

1- .سوره اعراف، آیه 23.

2- .سرود سحر، حجه الاسلام بهجتی، ص 91.

در کتاب ثمره الحیوه جلد سوم صفحه 377 آمده است.

جوانی در بنی اسرائیل زندگی می کرد و به عبادت حق تعالی مشغول بود، روزها را به روزه و شب ها را به نماز و طاعت، تا بیست سال کارش همین بود تا که یک روز فریب خورده و کم کم از خدا کناره گرفت و عبادتهایش را تبدیل به گناه و معصیت کرد و از جمله گنهکاران قرار گرفت و در این کار بیست سال باقی ماند یک روز آمد جلوی آئینه تا خود را ببیند، نگاه کرد دید موهایش سفید شده از معصیتهای خود بدش آمد و از کرده های خود سخت پشیمان گردید.

گفت خدایا بیست سال عبادت و بیست سال معصیت کردم اگر برگردم بسوی تو آیا قبولم میکنی؟!!

صدایی شنید که می فرماید: (اجبتنا فاحببناک ترکتنا فترکناک و عصیتنا فامهلناک و ان رجعت الینا قبلنا).

تا آن وقتی که ما را دوست داشتی پس ما هم تو را دوست داشتیم. ترک ما کردی پس ما هم تو را ترک کردیم، معصیت ما کردی ترا مهلت دادیم. پس اگر برگردی بجانب ما، تو را قبول می کنیم.

پس توبه نمود و یکی از عبّاد قرار گرفت. از این مرحمت ها از خدا نسبت به همه گنهکاران بوده و هست.

بازآبازاً هرآنچه هستی بازآی

گر کافر و گیر و بت پرستی بازآی

این درگه ما درگه نامیدی نیس-ت

صدبار اگر توبه شکستی بازآی

معنای توبه

توبه، در لغت به معنای رجوع و بازگشت از گناه است.⁽¹⁾ و همچنین به معنای بازگشت است، بازگشت از راه خطا به راه صواب.⁽²⁾

و در اصطلاح، به معنای بازگشت بنده از عصیان و روی آوردن به طاعت خداوند است.

مفهوم توبه

توبه و استغفار از گناه از جمله چیزهایی است که در قرآن و روایات، مورد تأکید قرار گرفته است. در روایات به این نکته اشاره شده که انسان همواره خود را با استغفار، معطر سازد تا بوی تعفن گناهی که در گذشته مرتکب شده او را رسوا نسازند.

ص: 75

1- . لسان العرب، لغت توبه.

2- . قاموس قرآن، ج 1 ، ص 285.

وقتی انسان بر اثر غفلت و نادانی و یا طغیان غرایز و هوای نفس، دچار گناه شد، باید خیلی زود خود را در معرض رحمت الهی قرار دهد و از خدا آمرزش بخواهد و با آب توبه و استغفار، دل و جان خود را شستشو دهد که سهل انگاری و امروز و فردا کردن در امر توبه، خود گناهی دیگر و دلیل بر سرکشی بیشتر می باشد. (1)

حضرت علی (علیه السلام) در روایتی بسیار زیبا می فرمایند: خود را با استغفار معطر کنید، تا بوی گناهان، شما را رسوا نکند. (2)

توبه در قرآن، هم به معنای رجوع انسان گناهکار آمده و هم به معنای توفیق برگشت از طرف خداوند، به بنده معصیت کار و هم به معنای قبول و پذیرش توبه (انسان) از جانب خداوند متعال است. (3) در آیه ای از قرآن، این سه معنا کنار هم جمع شده است آنجا که می فرماید: سپس خداوند به آنها (توفیق توبه داد) تا توبه کنند، خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است. (4) بازگشت و پشیمانی دو نوع است؛ یک نوع پشیمانی و بازگشت کاذب که هر آدم خطاکار، هنگامی که با کیفر مواجه می شود، پشیمان می شود و آرزو می کند که ای کاش آن عمل زشت را نکرده بودم.

ص: 76

1- . از فرصت تا حسرت جوانی، فتاحی اردکانی، محسن، 1358، ص 53.

2- . تَعَطَّرُوا بِالِاسْتِغْفَارِ لَا بَفَضْحِكُمْ رَوَائِحِ الذُّنُوبِ. بحار الانوار، ج 6، ص 22، باب 2.

3- . تفسیر نمونه، ج 8، ص 173.

4- . ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ سوره توبه / 118.

نوع دیگر از پشیمانی و بازگشت، آن است که گناه خود را نقد و حاضر بیند و کیفر گناه را نسیه بداند، آنگاه به ملاحظه کیفر آینده و یا به خاطر اجر و ثواب آینده و یا به ملاحظه احساس زشتی و پلیدی که از گناه خود می کند از ارتکاب گناه منصرف می گردد. (1)

یکی از مهمترین ویژگی انسان این است که دارای تمایلات مختلف می باشد. یعنی انسان موجودی است که به اشیاء و کارهای مختلفی علاقه دارد و این علاقه ها در همه قسمت های زندگی انسان حضور فعالانه دارد. این یکی از

بهترین ویژگی است که خداوند در وجود آدمی آفریده است و انسان را نسبت به دیگر موجودات امتیاز بالاتری داده است. توبه یکی از امتیازات و مشخصات انسان نسبت به حیوانات است. انسان همیشه تمایل به سعادت و خوشبختی دارد و توبه یکی از تمایلات است که انسان بسوی میل دارد و این یکی از بهترین راه ها برای رسیدن به سعادت است که انسان را بر دیگر حیوانات برتری داده است.

استاد شهید مطهری می فرماید:

توبه... این نیست که ما لفظ « استغفروا الله ربی و اتوب الیه » را به زبان جاری کنیم. توبه از مقوله لفظ نیست، توبه یک حالت روانی و روحی است و بلکه یک انقلاب روحی در انسان است که لفظ استغفروا الله ربی و اتوب الیه، بیانگر این حالت است، نه خود حالت، نه خود توبه... این که ما روزی چندین بار

ص: 77

1- . جوان و ندامت، اکبری، محمود، ص 78.

می‌گوییم استغفروا الله ربی و اتوب الیه نباید خیال بکنیم که روزی چند بار توبه می‌کنیم، ما اگر روزی یک بار توبه واقعی بکنیم، مسلماً مراحل و منازلی از قرب به پروردگار را تحصیل می‌کنیم. (1)

فلسفه توبه

توبه، یکی از شاخصه‌های رحمت لایبناهی پروردگار عالم است، که به منظور ایجاد امید، در دل گناهکاران تشریح شده است تا از طریق این خود را

بازنگری و به درون خود نظر افکند و از قانون شکنی و پرخاشگری در عالم دنیا دست بردارد.

توبه عامل کاهش گناه، و فساد و کارهای نادرست و ناهنجار در جامعه است. هر انسان در طول زندگی به دلیل طغیان غرایز ممکن است به بعضی از گناهان آلوده شود. اگر برای او راه جبران و اصلاح نباشد، در کنار نشسته. با خود می‌اندیشد که سرنوشت من جز عذاب الهی نیست، پس چرا در باقیمانده عمر خود، از لذات نفسانی خودداری کنم؟ با این تصور به فکر اصلاح خود نمی‌افتد و به خلاف کاری ادامه می‌دهد. اما خداوند با تشریح توبه، به گناهکار ای فرصت را می‌دهد که بتواند گذشته خود را جبران کند.

در قوانین بشر نیز این اصل مورد توجه قرار گرفته است. متصدیان امر اصلاح و تربیت بر زندانیان می‌گویند: اگر در زمان سپری کردن کیفر جرم، رفتار

ص: 78

خوبی از خود نشان دهند از تخفیف (عفو و بخشش) برخوردار خواهند شد. با این قانون، چه بسا زندانی وضع خود را عوض می کند تا بخشودگی و عفو شامل حالش گردد. توبه، یکی از راه های رویارویی با فشار های زوانی و رسیدگی به آرامش روحی است. یکی از روانشناسان می گوید:

شکنجه های وجدان اخلاقی، بسیار جانکاه و توان فرساست و گاهی صورت پشیمانی به خود می گیرد که آن را جز با جبران خطا نمی توان آرام کرد.⁽¹⁾

توبه و پاکسازی

از نشانه های رحمت و لطف وسیع پروردگار عالم، نعمت توبه و پذیرش آن از سوی خداوند است.

توبه به معنی ترک گناه، بازگشت به سوی خدا و عذر خواهی در پیشگاه خداوند است.

عذر خواهی بر سه گونه است:

ص: 79

1- . کودک فلسفی، ج 1، ص 418.

گاهی عذر آورنده می گوید: من اصلاً فلان کار را انجام نداده ام. گاهی می گوید: من به آن جهت این کار را انجام دادم. و گاهی می گوید: این کار را انجام دادم ولی خطا کردم و بد کردم و اینک پشیمانم. این همان توبه است. (1)

توبه در اسلام دارای شرایطی است؛

1- ترک گناه.

2- پشیمانی از گناه.

3- تصمیم بر انجام ندادن دوباره ی گناه.

4- تلافی و جبران گناه. (2)

توبه همچون بیرون آوردن لباس چرگین از بدن و پوشیدن لباس پاک و تمیز است. توبه همچون شستشوی بدن آلوده و عطر زدن است.

قرآن در آغاز سوره ی هود می فرماید:

« وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ » (3)

« و از پروردگار خود آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید. »

آوردن استغفار و توبه در یک آیه، حاکی از آن است که این دو با هم تفاوت دارند، اولی به معنی شستشو و دومی به معنی کسب کمالات است که انسان نحست باید خود را از گناهان پاک سازد و سپس خود را به اوصاف الهی بیاراید، نحست هرگونه معبود باطل را از قلب خود بزدايد و سپس معبود حق را در آن جای دهد، به قول حافظ:

ص: 80

1- . محسن قرآنی، پیشین، ص 99.

2- . مفردات راغب، ص 76.

3- . هود / 3.

تا نفس، میرا ز نواهی نکنی

دل، آئینه ی نور الهی نکنی

استغفار و توبه در قرآن

در قرآن، ذات پاک خداوند، 91 بار «غفور» (بسیار آمرزنده) و 5 بار «غفار»، (بسیار بخشنده) یاد شده و در آیات بسیاری، مردم به استغفار و طلب آمرزش از

درگاه خدا دعوت شده اند. و بیش از 80 بار سخن از توبه و پذیرش توبه به میان آمده است. در اینجا به ذکر چند آیه می پردازیم:

1- « وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ » (1)

و از نشانه های پرهیزکاران آن است که: هرگاه مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند و برای گناهان خود از خدا طلب آمرزش می کنند.

2- « وَمَنْ

يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا. » (2)

هر کس کار بدی کند یا بر خویش ستم ورزد سپس از خدا آمرزش بخواهد خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت.

ص: 81

1- . آل عمران / 135.

2- . نساء / 110.

3- « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ. » (1)

خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

4- « قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. » (2)

بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.

تعبیراتی که در این آیات آمده: مانند: بندگان من، ناامید نشوید، رحمت خدا، آمرزش همه گناهان، غفور و رحیم بودن خدا، همه حکایت از وسعت دامنه استغفار و قبولی توبه و گستردگی رحمت مطلق الهی می کند، به خصوص تعبیر به « عبادی »، (بندگان من). و نسبت بندگان، به رات اقدس الهی، بیانگر آن است که همه انسانها از خوب و بد، بندگان خدا هستند و خداوند به آنها، آن چنان مهربان است که همه آنها را بندگان خودش خوانده است. بنا بر این چشم انداز امید به آمرزش، بسیار وسیع و گسترده است.

ص: 82

1- . مائده / 9.

2- . زمر / 53.

وَإِذْ سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. (1)

و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند.

از نکات بسیار ظریف در نزدیک بودن به خدا، در این آیه است که خداوند، هفت بار امور را ذات پاک خود (بدون واسطه) بسبت داده است که عبارتند از بندگان من، از من، من نزدیکم، مرا می خواند، من پاسخ می گویم، دعوت مرا اجابت کنند، به من ایمان آورند.

یار نزدیک تر از من به من است

وین عجب بین که من از دور و توبوا

إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (2)

ای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا. (3)

ای کسانی که ایمان آورده اید به درگاه خدا توبه ای راستین کنید.

ص: 83

1- . بقره / 186.

2- . نور / 31.

3- . تحریم / 8.

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونََهُ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ. (1)

چرا به درگاه خدا توبه نمی کنند و از وی آمرزش نمی خواهند و خدا آمرزنده مهربان است.

در این آیه، مؤکداً خداوند انسانها را به سوی توبه و استغفار دعوت می نماید، و با ذکر دو صفت، « غفور و رحیم » بودنش، عواطف آنها را تحریک می نماید، تا شاید به سوی او باز گردند . با آب استغفار، گناهانشان را بشویند و در پرتو توبه، بر کمالات و فضائل انسانی خود بیفزایند.

جبران گناه از دیدگاه روایات

د روایات بطور صریح تاکید شده که در توبه، ترک گناه و پشیمانی، کفایت نمی کند. بلکه باید آثاری را که گناهان در زندگی انسان پدید آورده اند با کارهای نیک، جبران و اصلاح نمود.

این جبران در چهره های مخصوصی بروز می کند، تا عامل تربیت و تکامل انسان گردد. برای تکمیل این بحث، به روایات زیر توجه کنید:

1- رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) می فرماید:

در هر جا هستی از خدا بترس و با مردم با خلق نیک برخورد کن، و هرگاه گناهی کردی کار نیکی انجام بده که آن گناه را محو کند. (2)

ص: 84

1- . مائده / 74.

2- . اتق الله حیث كنت و خالط الناس بخلق حسن و اذا علمت سیئه فاعمل حسنه تمحوها؛ بحارالانوار، ج 71، ص 242. وسائل الشیعه، ج 11، ص 384.

2- امام صادق(علیه السلام) در گفتاری فرمود:

کسی که در پنهانی گناه کند، پس در پنهانی کار نیکی انجام دهد، و کسی که آشکارا گناه کرد، پس آشکارا کار نیک انجام دهد. (1)

3- امام باقر(علیه السلام) می فرماید:

هرگاه نشانه های توبه، از توبه کننده آشکار نگردد، او توبه کننده حقیقی نیست. (آشکار شدن نشانه های توبه این است که:) آنها را که ادعای حقی بر او دارند راضی کند، نماز های قضا شده اش را اعاده نماید، در برابر مؤمنان متواضع باشد، و خود را از طغیان هوس های نفسانی حفظ نماید. (2)

4- امیر مؤمنان علی(علیه السلام) فرمودند:

میوه و و اثر توبه، جبران ضایعات نفس است. (3)

5- امام باقر(علیه السلام) فرمودند:

چقدر کارهای نیک، بعد از گناهان شایسته و زیبا است. (4)

6- امام کاظم(علیه السلام) فرمودند:

از کفارات گناهان بزرگ، پناه دادن به انسان های پریشان و گرفتار و زدودن اندوه از اندوهگین است. (5)

7- شخصی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) پرسید: کفاره گناهان غیبت چیست؟

حضرت فرمودند:

ص: 85

1- . من عمل سیئه فی السر فلیعمل حسنه فی السر و من عمل سیئه فی العلانیه فلیعمل حسنه فی العلانیه؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 383.

2- . بحار الانوار، ج 6، ص 35، میزان الحکمه، ج 1، ص 548.

3- . ثمره التوبه استدراک فوارط النفس؛ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 348.

4- . ما احسن الحسنات بعد السيئات؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 384، 492، هود / 114.

5- . من کفارات الذنوب العظام إغاثه المهلوف والتفیس عن المكروب؛ شرح نهج البلاغه، (حدیدی)، ج 18، ص 135.

برای کسی که او را غیبت کرده ای، از خدا طلب آمرزش کن. (1)

8- امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

سه کار کفاره و جبران کننده ی گناه است:

1- بلند سلام کردن. 2- اطعام دادن. 3- نماز شب و عبادت در هنگام که مردم خوابیده اند. (2)

9- امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

کسی که دارای چهار خصلت باشد هر چند از سر تا قدمش را گناه فرا گرفته باشد خداوند آن گناهان را به نیکی تبدیل می کند:

1- راستگویی. 2- شرم و حیا. 3- نیک خلقی. 4- روحیه ی شکرگزاری. (3)

10- شخصی به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: گناهانم بسیار شده اند و اعمال نیکم اندک است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

سجده های بسیار بجا بیاور چرا که سجده، گناهان را آنچنان می ریزد که باد برگ های درخت را می ریزد. (4)

فرصت و زمان توبه

وجود مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از فرصت با عظمت ماه مبارک رمضان، به [فرصت و زمان توبه] تعبیر فرمود:

ص: 86

1- . نستغفر لمن إغتتبه؛ وسائل الشیعه، ج 15، ص 583.

2- . ثلاث کفارات: إفشاء السلام و إطعام الطعام و التهجد باللیل و الناس نیام؛ بحار، ج 77، ص 52.

3- . اربع من کن فیه و کان من قرنه الی قدمه ذنوباً بدلها الله حسنات: الصدق و الحیاء و حسن الخلق و الشکر؛ بحار، ج 71، ص 332.

4- . أثر السجود فإنه يحط الذنوب كما تحط الريح ورق الشجر؛ بحار، ج 85، ص 162؛ میزان الحکمه، ج 3، ص 477.

[وَرَمَضَانَ مَاهُ تَوْبَةٍ .]

علت آن هم این است که مردم مؤمن در ماه رمضان در تمرین ترک قرار می گیرند و به صورت ظاهر، باید از پایان سحر تا ابتدای افطار، از ده برنامه اجتناب کنند. این اجتناب، به طور یقین، در تقویت روح، نفس و قلب آنان برای ترک گناهان کبیره و گناهان صغیره بسیار مؤثر است. البته، کاری که در مسأله ترک در ماه مبارک رمضان انجام می گیرد، در ماه های دیگر انجام نمی گیرد، مگر در یک روز ماه ذی الحجه که برای انجام حج تمتع، بر مردم واجب می شود که بیست و چهار برنامه را ترک کنند، و همچنین در چند روز حج تمتع، ولی به اندازه ای که در ماه مبارک رمضان، روح مردم برای مسأله ترک و اجتناک تقویت می شود، در آن روز و این چند روز، روحشان تقویت نمی گردد.

بنا بر این، برای مردم ترک گناه در ماه مبارک رمضان، از یازده ماه دیگر آسان تر است؛ ترک گناه در این مدت سی شبانه روز، آن ها را به فضای با عظمت تقوا و ترک دائم گناه می رساند. (2)

توبه، یعنی بازگشتن س-وی او

توبه، کردن چون نظر بر روی او

ص: 87

1- . شیخ صدوق، فضایل الا شهر الثلاثه، ص 95.

2- . توبه، انصاریان، حسین، 1388، ص 1.

توبه، اُطراقی است در صحرای عشق

توبه، کردن س-یر در مجرای عشق

توبه، رح-مانیت رب فلک

توبه، ک-ردن، استغاثه نزد حق

توبه، یعنی وس-عت عُمر و معاش

توبه، کردن لرزشی چون ارتعاش

توبه، باش-د آفرین هر مَلک

توبه، کردن، س-یر کردن در فلک

توبه، یعنی ج-زئی از راه بهشت

توبه، کردن قسمتی از سرنوشت توبه، باشد اش-تیاق ک-ردگار

توبه، کردن نعمت پروردگار

توبه، می بایس-ت در دل نی زبان

توبه، ک-ردن دم به دم نی یک زمان

توبه، باشد باب مفتوح اله

توبه، کردن رجعت انسان به راه

توبه، باید خ-الص و بی گفتگو

توبه، کردن، چ-رک ها را شستشو(1)

رکن اول: پشیمانی بر گذشته

پشیمانی، یکی از ویژگی های روحی انسان است. انسان موجودی عافیت اندیش و حسابگر است و در کنار آن خطاکار، شتاب زده و در مواردی پیرو هوی و هوس و یکی از بهترین ویژگی های انسان این است که می تواند هر کاری را انتخاب کرده و آنرا انجام دهد پس می تواند هوی و هوس را انتخاب کند یا بعبّد و عبادت و پشیمانی به درگاه حق تعالی را. این ویژگی ها باعث می شود در مواردی دچار اشتباه شود و در پی آن یک حالت روحی برای او دست

دهد که آنرا پشیمانی می نامند. پشیمانی، غم و اندوه است که بر اثر آگاهی انسان در آثارِ بدِ کارش به وجود می آید. پشیمانی نتیجه تفکر و محاسبه آدمی است و از سلامت روح و روان آدمی خبر می دهد؛ اما در گیاه و حیوانات چنین حالتی وجود ندارد؛ زیرا حیوان بر اساس غریزه و طبع خود عمل می کند و قدرت تفکر و محاسبه ندارد.

انسانی که هیچ گاه دچار پشیمانی نمی شود، از دو حالت خارج نیست:

الف) یا هیچ گونه اشتباه و خطایی از او سر نمی زند که آن را مقام عصمت می نامند و مخصوص پیامبران الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) است.

ب) یا به دلیل انحطاط و انحرافات پی در پی و بزرگ، که هر گناهی از او سر بزند پشیمان نمی شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هرگاه کسی که کار زشتی انجام دهد پشیمان نمی شود، از ایمان بهره مند است. [\(1\)](#)

تا کنون کردی گنه دیگر مکن

تیره کردی آب، افزون تر مکن

رکن دوم: تصمیم به عدم بازگشت

شرط (رکن) دوم توبه چیست؟ فرمود: العزم علی ترک العود یک تصمیم مردانه، یک تصمیم جدی که دیگر من این عمل ناشایست را تکرار نمی کنم. البته شما را با این شعری [\(2\)](#) که خواندم مأیوس نکرده باشم. نگویید پس کار تمام

ص: 89

1- . آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، ج 2، ص 67.

2- . ر. ک شهید مرتضی، مطهری، آزادی معنوی، ص 139 شعر شیخ بهایی.

است؛ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (1)؛ از رحمت الهی ناامید نباشید. از هر چه گناه کردید برگردید، خدا می پذیرد. همه شرایط را ذکر کرده اند، ولی حد و اندازه برای گناه ذکر نکرده اند. نگفته اند اگر گناهت به این حد رسید توبه ات قبول می شود اما به شرط اینکه واقعاً توبه کنی. اگر آتش درونی در تو پیدا بشود، انقلاب مقدس در روح تو پیدا بشود و تصمیم بر عدم عود بگیری، توبه تو قبول است اما به شرط اینکه تصمیم تو واقعاً تصمیم باشد، نه اینکه بیایی اینجا پیچ بچی هم با خودت بکنی و بگویی عجب وضع بدی داریم و بیرون که رفتی فراموش کنی. این به درد نمی خورد و بدتر است. امام (علیه السلام) فرمود: کسانی که استغفار می کنند و باز گناه را تکرار می کنند، استغفارشان از استغفار نکردن بدتر است چون این مسخره کردن توبه است، استهزاء خداست، استهزاء توبه است.

این دورکن توبه است: اول ندامت، حسرت، اشتغال درونی، ناراحتی از گذشته، پشیمانی کامل از گناه؛ و دوم تصمیم قاطع و جدی برای تکرار نکردن گناه. (2)

توبه در جوانی

حدیث زیبا از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که فرموده است: توبه زیباست، ولی در جوانی زیباتر. (3)

ص: 90

1- . سوره زمر، آیه 53.

2- . مرتضی، مطهری، آزادی معنوی، 1389، ص 139.

3- . اَلتَّوْبَةُ حَسَنٌ وَ لَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ؛ نهج الفصاحه، ص 578، ح 2006.

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرموده است: عدالت نیکو است اما از دولتمردان نیکوتر، سخاوت نیکو است اما از ثروتمندان نیکوتر، تقوا نیکو است اما از علما نیکوتر، صبر نیکو است اما از فقرا نیکوتر، توبه نیکو است اما [از جوانان] نیکوتر و حیا نیکو است اما از زنان نیکوتر. (1)

یک حکایت

در کتاب همای سعادت از نجیب الدین که از علمای بزرگ زمان خود بوده است نقل شده است.

یک شب در قبرستان بودم. دیدم چهار نفر بطرف قبرستان می آیند و یک جنازه ای روی دوش شان است. من جلو رفته و از آوردن جنازه در آن وقت اعتراض کردم و گفتم این عمل شبانه به من این طور می رساند که شما انسانی را

کشته اید و نیمه شب قصد دفن آن جنازه را دارید که کسی از راز و اسرارشان سر در نیاورد.

گفتند: ای مرد خیال بد نکن زیرا مادرش با ماست. دیدم پیرزنی جلو آمد. من گفتم ای مادر چرا نیمه شب جوانت را به قبرستان آورده ای؟

گفت جوان من معصیت کار بوده خودش چند وصیت کرده است.

ص: 91

اول: چون من از دنیا رفتم، طنابی به گردنم بینداز و مرا در خانه بکش و بگو خدایا این همان بنده گریزپا و معصیتکاری است که بدست سلطان اجل گرفتار شده او را بسته و نزد تو آوردم به اورحم کن.

دوم: جنازه ام را شبانه دفن کن که کسی بدن مرا نبیند و از جنایات من یاد نکند و معذب شوم.

سوم: اینکه بدنم را خودت دفن کن و لحد بگذار که خداوند موهای سفید تو را ببیند و به من عنایتی فرماید و مرا بیامرزد، درست است که من توبه کرده ام و از کرده هایم پشیمانم ولی تو این وصیتهای مرا انجام بده.

وقتی که جوانم از دنیا رفت ریسمانی به کردنش بستم و او را کشیدم، ناگهان صدائی بلند شد و گفت: « أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الْفَائِزُونَ » با بنده گنه کار ما اینطور رفتار نکن ما خود می دانیم با او چه کنیم.

خوشحال شدم (که توبه او پذیرفته شده) و او را به طرف قبرستان آوردم.

من از پیرزن خواهش کردم که دفن پسرش را به من واگذار کند. او هم اجازه داد بدن را در قبر گذاشتم همینکه خواستم لحد را بچینم آیه را شنیدم که به گوشم رسید « أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الْفَائِزُونَ » از این داستان این طور نتیجه می گیریم که توبه شخص گنهکار مورد قبول واقع شده و خدا دوست ندارد بنده گنه کارش

که توبه کرده مورد اهانت قرار گیرد. و آیا این مهربانی لایتناهی خداوند را نسبت به بندگان اش را نمی رساند؟

یا رب به درگاہت کنون با چشم گریان آمدم

با ناله و شـور و نوا با آہ و افغـان آمدم

کردم بسی جرم و گنہ تا اینکہ گشتم رو سیہ

بر درگہت ای پادشہ اینک پشـیمان آمدم

دل از خطا ہا پر ملال رویـی ندارم از سؤال

مانند مرغ بستہ بال افتان و و خیزان آمدم

رویم بہ روی خـاک بین با دیدہ نمناک بین

ای مالک املاک بین با قلب سوزان آمدم

انسان باید در مسیر زندگی و لحظه لحظه عمر خود، در راه خدا گام بردارد. این فکر که انسان در پیری به فکر عبادت و خودسازی و توبه بیفتد از وسوسه های شیطان است، شیطان همواره می کوشد تا انسان را از مسیر خدا منحرف کند و آرزوهای طولانی را در دل او جای دهد و نگذارد تا در جوانی توبه کند و این از شگرد های شیطان است چرا که چه بسا انسان به دوران پیری نرسد و مرگ به او مهلت ندهد که بتواند در دوران پیری توبه کند. چون مرگ همیشه در کمین

ص: 93

انسان است تا انسان را از پا در بیاورد و تسلیم سلطان اجل کند، فرض کنید که توفیقی برای او حاصل شود که در جوانی مرتکب گناه و معصیت شده است پس در ایام پیری توبه کند از کجا معلوم که مقبول درگاه حق تعالی قرار گیرد یا نه؟! شهید مطهری در این خصوص می گوید: « تا کی بگوئیم آقا دیر نمی شود، حالا وقت باقی است؟! تا هنوز جوان هستیم، می گوئیم ای آقا! جوان بیست ساله که دیگر وقت توبه کردنش نیست. اتفاقاً جوانی بهترین وقت توبه کردن است. علاوه بر این که، چه کسی به این جوان قول داده که او پا به سن بگذارد، میانه مرد شود، از میانه مردی بگذرد و پیر بشود؟ تا جوانیم می گوئیم جوانیم. در میانه مردی هم می گوئیم حالا خیلی وقت داریم، توبه وقتش پیری است، وقتی که پیر شدیم و دست مان از همه چیز کوتاه شد و همه قدرت ها از ما گرفته شد، آن وقت توبه می کنیم. نمی دانیم که اشتباه کرده ایم و راه را اشتباه آمده ایم؛ آن وقت اتفاقاً هیچ توبه نمی کنیم، آن وقت دیگر حال توبه برایمان نمی ماند، آنقدر در زیر بار

معاصی کمر ما خم شده است که دل ما دیگر حاضر برای توبه کردن نیست. دل یک جوان آماده تر است برای توبه کردن تا دل پیر. (1)

همان قسم که جسم یک جوان قوی است روح جوان هم نیرومند است وقتی خدا را صدا می زند صورت خدا را برمی گرداند. در جوانی همه نیروها و قوه های جسمی و روحی موجود است از عقل و استعداد و جسم گرفته تا بالاترین

ص: 94

1- . آزادی معنوی، مرتضی مطهری، ص 123.

سعادت و معنویات. پس بهترین زمان برای توبه کردن زمان جوانی است. چه خوب است زدودن چرک ها در جوانی و به سعادت رسیدن.

چه خوب می گوید مولوی:

خار بُن در قوّت و بر خاستن

خار کُن در سستی و در کاستن

شخصی خاری را در سر راه مردم کاشته بود، این خار بزرگ شد. گفتند: بیا این خار را بکن. گفت: دیر نمی شود، حالا می کنیم، یک سال دیگر می کنیم! سال بعد بوته خار بزرگ تر شد، ولی خار کُن چطور؟ پیرتر شده. گفتند: بیا بکن. گفت: دیر نمی شود، بعد می کنیم. سال به سال، بوته خار بیشتر رشد می کرد، بیشتر ریشه می دوآند، تنه اش بزرگتر، خارهایش تیزتر و خطرش بیشتر می شد، اما خار کُن، پیرتر و از نیرویش کاسته می شد. این شعر می خواهد بگوید این صفات زشت و اخلاق فاسد، روز به روز در وجود تو مثل آن بوته خار، بیشتر

رشد می کند، بیشتر ریشه می دوآند، ولی تو خودت روز به روز پیرتر می شوی و از نیرویت، از آن نیروهای مقدس تو کاسته می شود. وقتی که جوان هستی، مثل یک انسان قوی و نیرومندی هستی که می خواهد یک نهال را بکند؛ به سرعت می کنی، ریشه اش را هم می کنی، می اندازی دور، اما وقتی که پیر

ص: 95

شده، مثل یک انسان سست قوه ای هستی که می خواهد یک درخت قوی را با دست خودش بکند، هر چه زور می زند درخت از ریشه در نمی آید.»(1)

توبه تولد دوباره

بدون شک، آنچه پیش از مرگ، انسان را می کشد، و بزرگترین بلا برای انسان است ناامیدی است. اگر انسان در زندگی، اشتباه و گناهی انجام داده، نباید از رحمت بی کران خداوند مأیوس شود. امام علی(علیه السلام) در روایتی می فرماید:

نومیدی، صاحب خود را می کشد.(2)

امام علی(علیه السلام) فرمود: بزرگترین بلا، نومیدی است.(3)

هیچ گاه نباید به علت گناهی که در گذشته مرتکب آن شده ایم، امید خود را در زندگی از دست بدهیم،

بلکه با توبه، باید پنجره تازه ای را به روی زندگی خود باز کنیم و مطمئن باشیم که با توبه، خداوند ما را می بخشد.

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: توبه کننده از گناه، مانند کسی که گناه انجام نداده است.(4)

مرحوم نراقی در این باره می گوید:

ص: 96

1- . مجموعه آثار، مرتضی مطهری، ج 23، ص 547، با کمی تغییر.

2- . قتل القنوط صاحبه؛ مصطفی درایتی و حسین درایتی، تصنیف غررالحکم و دررالحکم، ح 1331.

3- . اعظم البلاء انقطاع الرجاء. غررالحکم، ح 2856.

4- . التائب من الذنب کمن لا ذنب له؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج 2، ص 435.

زنهار ای جان برادر! تا حدیث بیماری روح را سهل‌نگیری و معالجه آن را بازیچه‌نشماری و مفسد اخلاق رذیله را اندک ندانی... مسامحه در معالجه آنها آدمی را به هلاکت دائم و شقاوت ابدی می‌رساند. صحت روح و انصاف آن به محاسن اخلاق، باعث زندگانی ابدی و حیات حقیقی می‌شود. بعد از آنکه ساحت نفس از اخلاق ناپسند، پاک و آراسته گردد، قبول فیض الهی می‌شود. (1)

سعی کنیم در زندگی مصداق این شعر سعدی نباشیم که می‌گوید:

بر حرف معاصی خط عذری نکش-یدیم

پهلوی کبائر حسنات ننوشتیم

افسوس بر این عمر گرانمایه که بگذشت

ما از سر تقصیر و خطا در نگذشتیم

پیری و جوانی پی هم چون شب و روزند

ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم (2)

بنا بر این، بدون هیچ تعلل و مسامحه و بدون این که برای گناهی که انجام داده ایم از خود متنفر شویم و یا از خود و خدا ناامید گردیم، باید توبه کنیم و نا

ص: 97

1- . معراج السعاده، مفسد بیماری نفس و فوائد صحت آن، ص 25.

2- . کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، بخش غزلیات، ص 810.

امیدی و تنفر را از خود دور کرده و با توبه، زندگی جدیدی را آغاز کنیم. گاهی اوقات برخی از جوانان وقتی مرتکب گناهی می شوند، به جای ای که بیشتر با معنویات و نماز و دعا انس بگیرند، به علت شرمندگی و گناهی که انجام داده اند، بیشتر از نماز و دعا و معنویات فاصله می گیرند، در حالی که اتفاقاً شیطان به دنبال همین است که با گناه و معصیت، فاصله انسان را با خدا بیشتر و بیشتر کند. جوانان عزیز! اگر خدای ناکرده مرتکب گناه شدیم، اتفاقاً باید پیوند خودمان با خدا را بیشتر به واسطه نماز محکم کنیم. اگر انسان در مبارزه با شیطان، سنگر نماز را از دست داد، مطمئناً شکست او در برابر شیطان و در سنگر های بعدی قطعی است و بی تردید، سر انجام در این مبارزه، میدان را واگذار خواهد کرد. از امام زماناً در این باره روایتی نقل شده که می فرمایند:

هیچ چیزی مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.

بر این اساس در هیچ حالی نباید سنگر نماز را از دست داد، بلکه اگر کسی در زندگی مرتکب گناهی شد از دو کار غفلت نکند:

1. بیشتر به نماز روی آورد؛

شیطان که رانده گشت به جز یک خطا نکرد

خ-ود را برای سجده آدم رضا نکرد

ص: 98

شیطان ه-زار مرتبه بهتر از بی نماز

آن سجده بر آدم و این بر خدا نکرد

2. دعا و تضرع را نیز در زندگی و به خصوص بعد از ارتکاب گناه از دست ندهد.

پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

دعا صلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمان ها و زمین است. (1)

دعا برای انسان مانند سلاح؛ اگر در میدان مبارزه با دشمن، کسی اسلحه خود را به زمین بیندازد، از دو حال خارج نیست؛ در میدان مبارزه با شیطان که هر روز در کمین انسان نشسته است انسان نمی تواند و نباید از دعا و دعا غافل بماند، غفلت از دعا زمینه ساز اسارت، با شکست انسان به وسیله شیطان است.

توبه مورد قبول

پذیرش توبه مخصوص کسانی است که در اثر نادانی، کار ناشایستی انجام داده اند، ولی به محض توجه فوراً توبه کرده اند قرآن می فرماید:

ص: 99

1- . الدعاء سلاح المؤمن وعمود الدین ونور السماوات والرض؛ کلینی، کافی، ج 2، ص 468.

توبه نزد خداوند تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می شوند سپس به زودی توبه می کنند اینانند که خدا توبه شان را می پذیرد و خداوند دانای حکیم است. (1)

اما کسانی که تا لحظه مرگ به کارهای ناشایست می پردازد و همان هنگام که اجل آنان فرا می رسد، به دنبال توبه هستند، توبه آنان پذیرفته نمی شود قرآن می فرماید:

و توبه کسانی که گناه می کنند تا وقتی که مرگ یکی از ایشان دررسد می گوید اکنون توبه کردم پذیرفته نیست و [نیز توبه]

کسانی که در حال کفر می میرند پذیرفته نخواهد بود آنانند که برایشان عذابی دردناک آماده کرده ایم. (2)

توبه نصوح و خالصانه

در آیه از قرآن کریم، از مردم خواسته شده است تا به سوی خداوند توبه نصوح کند.

قرآن می فرماید:

ص: 100

-
- 1- . إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ سوره نسا آیه 1.
 - 2- . وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ سوره نساء آیه 18.

ای کسانی که ایمان آورده‌اند به درگاه خدا توبه ای راستین کنید. (1)

با توجه به ریشه سامی واژه نصح و نیز سیاق آیه، این واژه می‌تواند از ماده «نصح» و به معنای «پاک و خالص» یا به معنای «با دوام، با ثبات» باشد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پاسخ به سؤال از توبه نصح فرمود: توبه نصح، پشیمانی از گناهی است که از تو سر می‌زند، [سپس] فوراً با پشیمانی خود، از خدا آمرزش بخواهی و دیگر هرگز به آن برنگردی. (2)

امام هادی (علیه السلام) در پاسخ به سؤال از توبه نصح فرمود:

توبه نصح این است که باطن، همچون ظاهر، و بهتر از آن شود. (3)

بر این اساس، توبه نصح توبه ای است که همراه با پاکی و خلوص نیت باشد یا توبه ای است که با دوام باشد و شکسته نشود که این معنای دوم، مشهورتر است. به همین جهت، توبه نصح توبه ای دانسته شده که توبه کننده در آن قصد دوام و پایداری دارد.

ص: 101

1- . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا؛ سوره تحریم آیه 8

2- . وقد سئل عن التوبه النصح هو الندم على الذنب حين يفرط منك، فتستغفر الله بندامتك عند الحافر، ثم لا تعود إليه أبدا كثر العمال، ح 10427.

3- . وقد سئل عن التوبه النصح، أن يكون الباطن كالظاهر و افضل من ذلك. بحار الانوار، ج 20، ص 22، ح 6.

چرا تأخیر؟...

جوان توبه کار، نزد خداوند عزیز است. توبه هم تنها برای سالخوردگانی که آفتاب عمرشان لب بام است نیست. تأخیر انداختن توبه آفاتی دارد. گاهی غفلت، توبه را از یاد انسان می برد. گاهی مرگ ناگهانی مجالی برای توبه نمی گذارد. گاهی افزایش گناهان و سنگین شدن بار معصیت، توبه را برای گنهکار، « نشدنی » می سازد. تضمینی هم نیست که به پیری برسیم و آن گاه توبه کنیم.

چند گویی که به پیری رسم و توبه کنم؟

چه کنی گر به جوانی به لحد(1) درمانی؟

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید:

از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوارند و با آرزوهای دور و دراز، توبه را به تأخیر می اندازند.(2)

با تأخیر افکندن توبه

یکی از بزرگترین گناهان این است که توبه را به تأخیر بيفکنند کسی که توبه را به تأخیر می اندازد و امروز و فردا می کند دچار بلا خواهد شد. انسانی توبه اش قبول درگاه حق می شود که فوراً توبه کند.

ص: 102

1- . گور.

2- . لا تکن ممن یرجو الآخره بغير العمل و یرجى التوبه بطول الأمل؛ نهج البلاغه، حکمت 150.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

هرگاه گناهی مرتکب شدی، به نحو آن با توبه بشتاب. (1)

امام علی (علیه السلام) فرمود:

کسی که توبه را به فردا حواله دهد، از هجوم مرگ در معرض بزرگترین خطر است. (2)

آسان تر از توبه

پیش از اینکه گناه را مرتکب شویم باید به عاقبت آن نیز فکر کنیم و اگر خدای ناخواسته مرتکب گناه شدیم باید به درگاه خداوند برویم و مدت ها تضرع

و توبه کنیم تا خداوند ما را ببخشد، پس از اول فکر عاقبت گناه را کنیم تا دچار سردرگمی و نالان نشویم. پس گناه نکردن آسانتر از توبه کردن است.

حضرت مسیح (علیه السلام) فرمود:

کسی که به مردم بدهکار نیست آسوده تر و دغدغه اش کمتر از کسی است که بدهکار باشد هر چند بدهی خود را به موقع بپردازد، همچنین کسی که گناه نکرده آسوده خاطرتر از کسی است که گناه کند هر چند خالصانه توبه کند و به سوی خدا برگردد. (3)

ص: 103

1- . إن قارفت سيئه فعجل محوها بالتوبة؛ بحار الانوار، ج 1، ص 208، ح 77.

2- . مسوف نفسه بالتوبة، من هجوم الأجل على أعظم الخطر؛ عررالحكم، ح 9876.

3- . تحف العقول، ح 392.

امام علی (علیه السلام) فرمود: گناه نکردن آسانتر از توبه کردن است. (1)

مهلت توبه

انسان تا در این دنیا هست و رشته حیاتش پابرجاست برای توبه کردن مهلت دارد. تنها در وقتی که انسان در چنگال مرگ گرفتار است و هیچ امیدی به نجات ندارد، توبه اش قبول نمی شود و اظهار توبه در چنین شرایطی فایده ندارد (2) زیرا این توبه نیست بلکه توبه زمانی است که تحولی در وجود انسان پیدا می شود.

همت و اراده

فطرت انسان پاک آفریده شده است و مسلمان و غیر مسلمان دوست ندارد گناه انجام دهد، اما راه دارد.

اسلام، درمان فرد گناه کار را روی آوردن به درگاه الهی می داند و به گناه کاران دستور می دهد با امید به آمرزش و بخشش الهی به توبه روی آورند و با تقویت نیروی اراده، عزم خود را بر دوری از گناهان جزم کنند. حضرت علی (علیه السلام) به فرزندش می فرماید:

به خداوند چنان امیدوار باش که اگر با گناهان اهل زمین در پیشگاهش حاضر شوی، تو را ببخشد. (3)

ص: 104

-
- 1- . ترک الذنب أهون من طلب التوبه؛ بحار الانوار، ج 73، ص 364، ح 96.
 - 2- . همچون فرعون که در حال غرق شدن به ناچار توبه کرد، سوره یونس آیه 90.
 - 3- . وارِجُ اللّهُ رَجَاءً اَنْكَ لَوْ اَتَيْتَهُ بِسَيِّئَاتِ اهل الارضِ غَفَرَهَا لَكَ؛ مجموعه ورام، ج 1، ص 50.

این سفارش امام علی (علیه السلام) به فرزند بزرگوارش با این رهنمود قرآن مجید هماهنگ است که در آغاز امر می کوشد روحیه ی ناامیدی را در وجود بندگان از بین ببرد، چنان که در آیه ای از قرآن آمده است:

بگو ای بندگان من که در حق خویشتن تندروی کردید، از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را می بخشد که او خود آمرزنده مهربان است. (1)

مراقبت کنید

در قرآن میل عظیم آمده است بنام «شهوت» و اگر ما مراقبت نکنیم عضلات روح مان ضعیف خواهند شد.

زمانی که در بین مردم تحریک می شویم و حساسیت وجود دارد و انسان در برابر شهوات از خود حساسیت نشان می دهد. نمی شود حساسیت را از بین برد « باید مراقبت کنیم آن وقت قوی خواهیم شد » اگر بخواهیم حساسیت از بین برود باید بگوییم که حجاب برداشته شود و همه مثل کشور های غربی لخت باشد. اگر این طور بود که خداوند متعال از روز ازل غریزه جنسی را در وجود آدمی نمی آفرید. خداوند میرا از خطا و اشتباه است و هیچ گاه اشتباه نمی کند. « حساسیت باشد،

ص: 105

1- . قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ زمر / 53.

مراقبت کنیم». اگر مراقبت نکنیم عضلات روح مان ضعیف خواهد شد. آخر عمر، عصبی، خشمناک، بد اخلاق و ... رفتار خواهیم کرد و دچار توهمات غلط خواهیم شد. اگر جوانان دنبال شهوات بگردد در خیالات بد خواهند افتاد. خداوند می گوید من «انسان» را برای «تقوا» آفریدم. باید یک انگیزه ی برایش ایجاد کنم که مراقبت کند. اگر انسان خنثی باشد، پس برای چه مراقبت کند؟!

برای قوی شدن عضلات روح خودت را جمع کن. در اینجا سوال پیش می آید که با شهوت چه کار کنیم؟

جوابش این است که مبارزه کنیم. سوال دیگر مطرح می شود که می خواهیم از دستش خلاص شوم؟!

جواب می گوئیم که یعنی چه؟! آن وقت باید با چیز سخت تر بجنگی و مبارزه کنی، پس خوب است که با همین شهوت بجنگی که شیطان بیشتر از همین راه انسان را از راه مستقیم به در می کند و انسان را به گمراهی می کشاند. خداوند متعال شهوت را گذاشته برای مراقبت. مراقبت از جنس سلبی که انجام ندهی، فکرت هم طرفش نرود. اصلاً خداوند وجود انسان را تکویناً برای مراقبت آفریده است. پس مراقبت کنیم تا روح مان قوی شود و به سعادت و رستگاری نایل شویم.

ص: 106

انسان ترکیبی است از جسم و روح. همان گونه که جسم آدمی بیمار می شود و نیاز به درمان دارد، روح او نیز بیمار می شود. بیماری روحی بسی خطرناک تر از بیماری جسم است. اگر انسان احساس درد کند به دنبال مداوای آن می رود و این پزشک نیست که باید سراغ بیمار برود و او را معالجه نماید. انبیاء(علیهم السلام) و اوصیاء اطبایی هستند که برای معالجه بیماری های روحی آمده اند. و انسان باید برای مداوای بیماری روحی خود نزد انبیاء(علیهم السلام)

و اوصیاء بروند و خود را مداوا کنند. کتاب های آسمانی، نسخه شفاء بخش بیماری ها است. انسانی به سعادت خود علاقه مند است که همواره باید به فکر اصلاح و

خودسازی باشد، خود را واریسی کند و مراقب باشد مبادا ناخواسته بیماری روحی بر او غلبه نماید و در روح پاک او نفوذ کند. قرآن کریم می فرماید:

رستگار کسی است که نفس خویش را تزکیه و تربیت کند، و بدبخت کسی است که روح بیمار خود را رها کند. (1)

تمام اهداف انبیاء و اوصیاء: در «انسان سازی» خلاصه می شود و همه رهنمود های آنان در این جهت است. قرآن، کتاب انسان سازی است. که در این مورد آیات از قرآن کریم را ذکر خواهیم کرد.

ص: 107

1- . قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ سوره شمس / 9-10.

(وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ) (1)

و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم.

(فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِرْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ) (2)

هر که خواهد راه ایمان گزیند و هر که خواهد راه کفر را.

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا) (3)

ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس.

نخستین چیزی که برای جوان لازم است، انتخاب راه است، کدام راه را می خواهد برود؟ به کدام سو می خواهد حرکت کند؟ صلاح یا فساد، سعادت یا شقاوت، خیر یا شر؟

پس از انتخاب راه سعادت، باید بداند که بیمار است و بیماری های خود را شناسایی کند.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

ندانستن کاستی ها و عیب ها، بزرگترین گناه انسان است. (4)

ص: 108

1- . بلد / 10.

2- . كهف / 29.

3- . انسان / 2.

4- . جهل المرء بعيوبه من اكبر ذنوبه؛ بحار الانوار، ج 74، ص 419.

جهل به بیماری، انسان را از معالجه غافل می سازد. آگاهی از بیماری سبب می شود بیمار به فکر مداوا باشد.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

کسی که در اصلاح نفس خود بکوشد سعادت‌مند می شود. (1)

نیز می فرماید:

اگر هوای نفس را فرمانده خود کنید شما را کر و کور می سازد و سرانجام هلاکتان می کند. (2)

نیز می فرماید:

کسی که از هوای نفس پیروی کند به دشمن خود کمک نموده و او را به آرزویش رسانده است. (3)

نفس را نباید آزاد گذاشت که آن سرکش و طغیانگر است. قرآن کریم از قول یوسف صدیق (علیه السلام) نقل می کند:

نفس همواره آدمی را به کارهای بد وامی دارد مگر خداوند دست رحمت بر انسان کشد. (4)

ص: 109

1- . من اجهد نفسه فی صلاحها سعد؛ همان، ص 237.

2- . انکم ان امرتم علیکم الهوی اصمکم و اعماکم و اراکم؛ همان، ص 307.

3- . من اطاع هواه اعطی عدوه مناه؛ بحار الانوار، ج 67، ص 78.

4- . إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛ یوسف / 53.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

اگر ما امید به بهشت یا ترس از آتش هم نداشته باشیم و نه ثوابی (بر فرض) بود و نه عقابی، باز هم سزاوار بود که اخلاق و صفات پسندیده خوب را انتخاب کنیم، زیرا اخلاق نیک و کارهای پسندیده از جمله چیزهایی است که ما را به خوشبختی سوق می دهد. (1)

خودسازی در فرهنگ قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) با آنچه که برخی مرتاض ها انجام می دهند بسیار متفاوت است. در اسلام، رهبانیت، غارنشینی، ترک دنیا،

پناه بردن به وردهای شیطانی و دستورهای شاق جسمانی، مذموم و ممنوع است. آنچه اسلام به عنوان ابزار خودسازی پذیرفته است، تقوا و پرهیز از آلوده شدن نفس به گناه و روی آوردن به انجام دستورهای الهی است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

نیرومندترین مردم، کسی است که بر نفس خویش غلبه کند. (2)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

خشم کلید هر زشتی است. (3)

ص: 110

1- . لو كنا لا- نرجو جنه و لا نخشى ناراً و لا ثواباً و لا عقاباً لكان ينبغي لنا ان نطلب مكارم الاخلاق فانها مما تدل على سبيل النجاح؛ مستدرک، ج 11، ص 193.

2- . اشجع الناس من غلب هواه؛ همان، ج 12، ص 111.

3- . الغضب مفتاح كل شر؛ کافی، ص 303.

اگر هوای نفس را فرمانده خود کنید شما را کر و کور می سازد و سر انجام هلاکتان می کند. (1)

بنابر این، عمل به دستور های دین، تنها راه خودسازی و تربیت نفس است.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

ای بندگان خدا، بیماران هستید و پروردگار مانند پزشک. خیر و صلاح بیمار در چیزهایی است که طبیب می داند، نه آن چه مریض میل دارد. پس تسلیم امر خدا شوید تا در صف رستگاران قرار گیرید. (2)

شفای بیماران روحی فقط با نسخه الهی میسر است. این خداوند است که بندگان خود را حال خوش معنوی می دهد و از انواع بیماران روحی شفاء می بخشد. آزادی های بی حد و مرز و افراط در آزادی جز سیه روزی و بدبختی، چیزی دیگری نصیب آدمی نمی کند. غرق شدن در لجن زار شهوات، و دنبال کردن چیزهای کم ارزش و امیال سطحی، سقوط حتمی به همراه دارد. بُعد ملکوتی و انسانی بشر نیاز به تغذیه و رسیدگی دارد. انبیای الهی (علیهم السلام) برای هدایت بشر آمده اند و خیر و سعادت بشر را می خواهند، همان گونه که یک پزشک

ص: 111

1- . انکم ان امرتم علیکم الهوی اصمکم و اعماکم و اراکم؛ همان، ص 307.

2- . مستدرک، ج 3، ص 175.

سلامت و راحتی مریض را می خواهد. تقید و محدود شدن به تعالیم انبیای الهی و اهلیت(علیهم السلام)، کرامت و سرفرازی انسان را تضمین می کند.

توبه حقیقی

توبه حقیقی، دارای نشانه هایی است که در رفتار شخص توبه کننده نمایانگر است. و اگر تغییر رفتاری در کارهای توبه کننده صورت نگیرد، توبه واقعی صورت نگرفته است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود:

آیا می دانید توبه کننده حقیقی کیست؟ گفتند: نه، فرمود:

1. هرگاه انسان به زبان و دل توبه کند، ولی طلبکاران و ستم کشیدگان را از خود راضی ننماید در حقیقت توبه نکرده است.
2. کسی که توبه کند، ولی به عبادتش اضافه نشود، او هم توبه نکرده است.
3. هر گاه کسی توبه کند ولی در لباس او تغییراتی داده نشود باز هم توبه نکرده است. (یا مقصود این است که لباس حرام و گناه را اگر از تنش بیرون نیاورد و عوض نکند تائب شمرده نمی شود.)
4. در صورتی که شخصی توبه کند، ولی در مسائل اجتماعی روابط قبلی خود را با افراد فاسد همچنان ادامه دهد و آنان را عوض نکند، گویا اصلاً توبه نکرده است.

ص: 112

5. اگر کسی توبه کند، ولی در نشست و برخاست و دعوت ها و پذیرایی های او چهره اسلامی مشاهده نشود، باز هم توبه او اساسی نیست.

6. کسی که توبه کند، ولی در مسائل خانوادگی و زناشویی تغییری نداشته باشد، باز هم توبه نکرده است.

7. کسی که توبه کند، ولی در حالات روحی و فکری و قلبی و برخوردهای اجتماعی او تغییراتی حاصل نشود و به جای راضی کردن خدا به فکر راضی کردن این و آن باشد و تکبر و کینه و حسادت و بخل و ریا را کنار نگذارد و انگیزه ها و هدف های مادی خود را به قصد قربت و اخلاص تبدیل نکند، باز هم توبه او ریشه و اساس ندارد.

8. کسی که توبه کند، ولی روحش باز و دستش گشاده نباشد، بلکه همان تنگ نظری های قبلی را داشته باشد و همچنین از کمک به دیگران خودداری کند، او هم توبه نکرده است.

9. هرگاه کسی توبه کند، ولی از خیال پردازی ها و آرزو های دور و دراز خویش دست برندارد و زبانش را از انواع تهمت ها و دروغ ها و غیبت ها و نیش ها و سوگند های نابجا و گواهی دادن های ناروا و ناسزا و شایعه ها و یاوه گویی ها و سخن چینی ها و ... باز ندارد او هم در حقیقت توبه نکرده است.

10. کسی که توبه کند، ولی در مسائل اقتصادی و مصرف مال، نسبت به محرومان و گرسنگان جامعه بی تفاوت باشد و حاضر نباشد کمی از اموال

شخصی خود را در راه رفاه آنان صرف نماید، او هم توبه نکرده است. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

هر گاه توبه کننده، این صفات ده گانه را مراعات کرد، توبه حقیقی کرده است. (1)

ارتباط با امام زماناً یک نیاز حیاتی است.

بعضی از نیازها برای انسان نیاز حیاتی اند، اما خوب دیده نشده اند، خوب بررسی نشده اند. مثلاً رابطه عاطفی نوزاد و مادر یک نیاز حیاتی است که اخیراً فهمیده شده است. همه میدانند که رابطه عاطفی نوزاد و مادر یک رابطه ی مهم و ارزشمند است. ولی اخیراً دانش بشری متوجه این شده است که اگر نوزاد به دنیا بیاید، غذایش را بدهند، شیر نیاز دارد بدهند، آب برایش تهیه نماید، اما مادر بچه را بغل نگیرد، میگویند بعد از شش ماه این بچه از بین خواهد رفت. نیاز عاطفی بین نوزاد و مادر یک نیاز حیاتی است مثل: آب خوردن، غذا خوردن،

ص: 114

1- . اذا تاب العبد و لم یرص الخصماء فلیس بتائب. 2. من تاب و لم یزد فی العباده فلیس بتائب. 3. من تاب و لم یغیر لباسه فلیس بتائب. 4. من تاب و لم یغیر رفقاءه فلیس بتائب. 5. من تاب و لم تغیر مجلسه بتائب. 6. من تاب و لم یغیر فراشه و وساده فلیس بتائب. 7. من تاب و لم یغیر خلقه و نیته فلیس بتائب. 8. من تاب و لم یفتح قلبه و لم یوسع کفه فلیس بتائب. 9. من تاب و لم یقصر امله و لم یحفظ لسانه فلیس بتائب. 10. من تاب و لم یقدم بصل قوته من بدنه فلیس بتائب. بحار الانوار، ج 6، ص 35؛ کتاب جوان و ندامت، پیشین.

یک کمی از دقت کنیم، وقت بگذاریم برای رابطه برقرار کردن روحی با امام زمان، کم کم این نیاز در درون مان بیدار می شود، لذت اش را می بریم، دنیای پس از برقراری با امام زمان را خواهیم چشید، تجربه خواهیم کرد که یک دنیای به شدت متفاوت است. همان قسم که اگر نوزاد را مادر بغل نگیرد، میگویند می میرد. روح انسان هم می میرد اگر ارتباط با مولای خودش نداشته باشد. (1) اگر با امام زمان خود یک رابطه روحی برقرار کنیم دیگر گناه و معصیت نخواهیم کرد و دست به فساد نخواهیم زد و این یکی از بهترین عوامل است که ما را نمی گذارد سوی گناه رویم و در دام های شیطان گرفتار شویم.

توبه بی ثمر

چنان که از آیات و روایات استفاده می شود، توبه انسان در دو موقع پذیرفته نیست:

1. در همین دنیا هنگامی که لحظه مرگ فرا می رسد؛ چنانکه خداوند متعال می فرماید:

و توبه کسانی که گناه می کنند تا وقتی که مرگ یکی از ایشان در رسد می گوید اکنون توبه کردم پذیرفته نیست. (2)

ص: 115

1- . از بیانات حجت الاسلام علیرضا پناهیان. سال 2019-10-12.

2- . وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ؛ نساء / 18

هنگامی که حضرت موسی (علیه السلام) و یارانش به دریا رسیدند، با معجزه آن حضرت، دریا شکافته شد و همگی توانستند به سلامت عبور کنند. اما فرعون و یارانش که در تعقیب آنها بودند، از پی آنها رفتند؛ که ناگهان دریا به حالت اول برگشت و فرعون و یارانش در میان آب گرفتار شدند:

گفت ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند نیست و من از تسلیم شدگانم. (1)

خطاب آمد: اکنون در حالی که پیش از این نافرمانی می کردی و از تباهکاران بودی. (2)

البته، ذکر این نکته ضروری است که اگر کسی بدون اینکه علم به مرگ خود داشته باشد، توبه نماید و از روی اتفاق، بلافاصله بعد از توبه اش بمیرد، توبه او پذیرفته خواهد شد؛ چنانکه در روایات به این نکته تصریح شده است. امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

زمانی که جان به اینجا - اشاره فرمود به گلویش - برای کسی که علم به مرگ داشته باشد نیست، ولی برای جاهل (به مرگ)، توبه هست و توبه اش پذیرفته می شود.

ص: 116

1- . قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ یونس / 90.

2- . آ لَانَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ یونس / 91.

2. موقع دوم، جهان آخرت است، جهانی که دار جزاء است نه دار تکلیف؛ لذا در آنجا توبه ای پذیرفته نمی شود؛ چرا که آخرت، جای برداشت نمودن کشت و زرع این دنیا است و دیگر فرصتی نیست که بزر توبه را کاشت و ثمره آن را که غفران الهی است، برداشت نمود.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: امروز (این دنیا) جای عمل است و حسابی در کار نیست، ولی فردا روز حساب است و جای عمل نیست. (1)

توبه دروغین

اشاره

امام باقر (علیه السلام) فرمود: کسی که بر گناه خود پابرجاست و استغفار می کند، مانند مسخره کننده است. (2)

از ته دل نیست در میخ-انه اس-تغفار ما

خواب ها در پرده دارد دیده بیدار ما

سَبَّحَه بر کف، توبه بر لب، دل پر از شوق گناه

معصیت را خ-نده می گیرد ز استغفار ما

ص: 117

1- . اليوم عملٌ و حسابٌ و غَداً حسابٌ و ولا عمل؛ نهج البلاغه، خطبه 43.

2- . المقيم على الذنب و هو مستغفر كالمستهء؛ کافی، ج 4، ص 168.

از آنجا که توبه، عملی جبرانی برای گناه است. توبه کننده باید به گونه ای ضایعات و آثار سوء گناهان را از دل و جان، از زندگی خود از حقوق و حیثیت مردم، از عمل های واجب ترک شده، از فریب ها و دروغ و دغل کاری ها، جبران کند. در آیات قرآن و روایات برای آموزش و جبران گناهان دستورات و رهنمودهایی رسیده که ما چند نمونه از آنها را بیان می کنیم:

1. کمک و صدقات پنهانی

یکی از راههای جبران خطاها و گناهان، کمک پنهانی به دیگران است.

قرآن می فرماید:

اگر صدقه ها را آشکار کنید، این، کار خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است؛ و بخشی از گناهانتان را می زداید، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (1)

2. هجرت و جهاد

قرآن هجرت و جهاد را یکی از رهیهای جبران گناهان می داند و می فرماید:

ص: 118

1- . إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ بقره / 271.

پس کسانی که هجرت کرده و از خانه های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده اند بدی هایشان را از آنان می زدایم. (1)

3. دوری از گناهان بزرگ

ترک گناهان کبیره، سبب از بین رفتن آثار گناهان کوچک می شود.

قرآن در این رابطه می فرماید:

اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] نهی شده اید دوری گزینید بدیهای شما را از شما می زدایم و شما را در جایگاهی ارجمند درمی آوریم. (2)

لازم به ذکر است که گناهان کبیره به گناهی گفته می شود که در قرآن برای آنها وعده عذاب داده شده است و گناه نابخشدنی است که مراقب باشیم و نباید مرتکب آن شویم.

4. انجام کار های نیک

هر کاری که مصداق حسنه باشد عاملی برای از بین رفتن سیئات و بدی ها می باشد. قرآن می فرماید:

ص: 119

-
- 1- . فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ؛ آل عمران / 195.
 - 2- . إِنَّ تَجْتَنَّبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا؛ نساء / 31.

و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار زیرا خوبیها بدیها را از میان می برد این برای پندگیرندگان پندی است. (1)

امام علی (علیه السلام) می فرماید: با انجام هر حسنه ای، خداوند، یک گناه و سیئه را پوشانده و محو می سازد.

مردی به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شد گفت: یا رسول الله در مدت عمرم، گناه بسیار کرده ام و هر کار زشتی مرتکب شده ام، آیا راه توبه به روی من باز است؟ خداوند توبه مرا خواهند پذیرفت؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا مادر داری؟ عرض کرد: خیر، حضرت فرمود: پدر داری؟ عرض کرد: بلی؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: به او نیکی کن تا جبران گناهانت شود؛ وقتی آن مرد خدا حافظی کرد و از در بیرون رفت رسول خدا فرمود: ای کاش مادرش زنده بود. (2) کنایه از اینکه اگر مادرش زنده بود و او در حق مادرش احسان می کرد، خیلی زودتر جبران گناهانش می شد.

5. قرض دادن

وام دادن به افراد گرفتار، یکی دیگر از عوامل جبران گناهان است.

ص: 120

-
- 1- . وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ؛ هود / 114.
 - 2- . بحار الانوار، ج 74، ص 82.

قرآن می فرماید:

اگر خدا را وامی نیکو دهید آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشاید و خدا [است که] سپاس پذیر بردبار است. (1)

6. تقوا

تقوا و پرهیزکاری یک دیگر از عوامل بخشش گناهان است. قرآن می فرماید:

اگر از خدا پروا دارید برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می دهد و گناهانتان را از شما می زداید و شما را می آمرزد. (2)

7. ایمان و عمل صالح

یکی از عوامل مغفرت و پوشش گناهان، ایمان و عمل صالح است و همه پاداش ما به اعمال صالح و شایسته ما مربوط است.

قرآن کریم می فرماید:

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند، گناهان آنان را می بخشیم. (3)

ص: 121

-
- 1- . إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ؛ تغابن / 17.
 - 2- . إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ؛ انفال / 29.
 - 3- . وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ. عنكبوت / 7.

پس باید کوشید از طریق افزایش معرفت و شناخت خدا و آگاهی از نعمت های مادی و معنوی و انجام اعمال صالح، ایمان را تقویت کرد.

8. توبه و بازگشت از گناهان

توبه، سبب محو و از بین رفتن گناهان کبیره و صغیره می گردد. (1)

آیات 68 و 69 سوره فرقان به مرتکبان برخی گناهان کبیره وعده عذاب چند برابر و جاودانگی در جهنم داده؛ اما در ادامه فرموده:

مگر کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد که در این صورت خداوند (نه تنها) گناهان او را می بخشد (بلکه) سیئات و بدی های اعمال آنها را به حسنات تبدیل می کند. (2)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

برای هر دردی، درمانی است. درمان بیماری گناهان، توبه و استغفار است. (3)

با توبه می توان محبت الهی را جلب کرد و محبوب حق تعالی گشت. البته جوان اگر توبه کند چون روح بزرگ و قوی دارد توبه اش زودتر مورد قبول درگاه حق تعالی خواهد شد.

ص: 122

1- . البته هر نوع حق الناس و تضييع حقوق مردم، اعم از تعدی به مال، جان و آبرو و حیثیت آنها، لازم است جبران شود و از آنها خلالت و رضایت گرفته شود و در صورت عذر و نتوانستن، برایشان دعا و استغفار کند.

2- . فرقان / 70.

3- . لکل داءٍ دواءٌ و دواءُ الذنوب الاستغفار؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 345.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

توبه پاک می گرداند دلها را و می شوید گناهان را. (1)

در حدیث قدسی آمده است:

اگر آنان از درگاه من روی برتافتند و به معصیت آلوده گشتند، می دانستند چقدر مشتاق آنان هستم (و از بازگشت و توبه آنان خوشنود می گردم) از شدت شوق و شغف، جان می سپردند. (2)

وقتی با خدا خلوت کردی و به دعا و مناجات مشغول شدی، گناهان و گذشته را به یاد آور و به زبان و دل اعتراف، اقرار کن و از خدا عفو و مغفرتش را طلب نما. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

سوگند به خدا! نجات نمی یابد جز آنکه به گناه (در پیشگاه خدا) اقرار کند. (3)

9. خواندن نماز های مستحبی و نافله، مخصوصاً نماز شب

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

نماز شب مؤمن، گناهان روز او را محو و نابود می سازد. (4)

ص: 123

-
- 1- . التوبه تطهر القلوب و تغسل الذنوب؛ تصنیف غرالحکم، ص 195.
 - 2- . شیخ محمد بهاری همدانی، تذکره المتقین، ص 101.
 - 3- . والله ما ینجو من الذنب الا من اقر به؛ همان، ج 4، ص 157.
 - 4- . صلاه المؤمن باللیل تذهب بما عمل من ذنب بالنهار.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می فرماید:

بر شما باد به نماز شب، زیرا آن روش شایستگان پیش از شماسست، و بیداری شب انسان را به خدا نزدیک می کند، و از گناه باز می دارد و گناهان را می پوشاند، و بیماری را از بدن می زداید.(1)

10. خضوع در عبادت و اشک ریختن در دعا و مناجات

شخصی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) پرسید: چه چیزی گناهان مرا پس از توبه، نابود می کند؟

فرمود: اشک ریختن و خضوع در دعا و مناجات.(2)

11. جهاد در راه خدا

مردی نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من به جهاد خیلی علاقه دارم. حضرت فرمود:

پس در راه خدا جهاد کن، زیرا اگر کشته شوی، نمرده ای بلکه زنده ای و از سفره خاص خدا روزی می خوری و اگر در مسیر رفت و برگشت در غیر

ص: 124

1- . بحار الانوار، ج 87، ص 123.

2- . میزان الحکمه، ج 2، ص 462، به نقل از آثار گناه، قرائتی، ص 333.

میدان جنگ بمبیری، اجر و پاداش تو با خدا خواهد بود و اگر (به وطن و خانه ات) بازگشتی، از همه گناهان پاک می شوی. (1)

12. خوش اخلاقی

خوش اخلاقی یکی از بهترین عوامل است که انسان را در بین مردم عزیز و پناهان را از بین می برد چون کسی که خوش اخلاق باشد دست به گناه نمی زند

و خود را از گناه دور نگه می دارد که مبادا دست به گناه زند و اخلاقش را از بین ببرد چون گناه اخلاق انسان را عوض می کند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

همان گونه که گرمای خورشید، یخ را آب می کند، خوش اخلاقی گناه را از بین می برد. (2)

14. پیروی از پیشوایان دین

مهم ترین عامل که سبب آموزش گناهان می شود و محبت الهی را همراه دارد، اطاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه: و رهبران دینی، در امور عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حکومتی است. (3)

قرآن می فرماید:

بگو ای پیامبر! اگر خدا را دوست دارید، مرا پیروی کنید، تا خدا شما را دوست داشته باشد و گناه شما را ببخشد که خداوند آمرزنده و مهربان است. (4)

ص: 125

1- . اصول کافی، ج 3، ص 233، ترجمه مصطفوی.

2- . ان حسن الخلق یذهب الخطیئه كما تذهب الشمس الجلید، بحار الانوار، ج 71، ص 351.

3- . آل عمران / 32.

4- . قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ. آل عمران / 31.

13. راستگویی

13. راستگویی (1)

15. صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله)

امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

کسی که توانایی بر چیزی که موجب محو و آمرزش گناهان شود را ندارد، پس بسیار بر محمد و آلش صلوات بفرستد، چرا که صلوات گناهان را نابود و ریشه کن می کند. (2)

16. تلاوت قرآن

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سلمان فرمود:

ای سلمان بر تو باد بر خواندن قرآن، زیرا خواندن قرآن، کفاره گناهان است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

تلاوت هر آیه ای از قرآن ده حسنه دارد و ده سیئه و گناه را محو می کند. (3)

ص: 126

1- . بحار الانوار، ج 71، ص 351.

2- . سفینه البحار، ج 2، ص 50.

3- . وسائل الشیعه، ج 4، ص 851.

17. عمل به قرآن

قرآن کتاب هدایت و روشننگری است و مهم ترین هدف عالی قرآن، هدایت بشریت به سعادت و کمال و تعالی و رشد انسانها و ایجاد روح عبودیت

می باشد(1) پس کسی که به قرآن عمل کند و گناه مرتکب نشود تمام گناهان گذشته اش آمرزیده می شود

18. روزه

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود:

کسی که در ماه رمضان روزه می گیرد، در حالی که ایمان به خدا دارد علاوه بر شکم، قلب و چشم و گوش و زبان او نیز روزه باشد، خداوند روزه اش را قبول می کند و همه گناهان او را می آمرزد.(2)

19. افطاری دادن به روزه داران مؤمن

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

افطاری دادن به مؤمن روزه دار، کفاره گناهان است.(3)

20. فریاد رسی از ستمدیدگان

امام علی(علیه السلام) فرمود:

از جمله کفارات گناهان بزرگ، فریاد رسی به مصیبت زدگان و تسلی رنج دیدگان است.(4)

ص: 127

1- اصول و روش های حفظ قرآن، سید علی میرداماد نجف آبادی، انتشارات جامعه المصطفی (ص) العالمیه، ص 137

2- وسائل الشیعه، ج 7، ص 118.

3- من فطر مؤمناً کان کفاره لذنبه" همان، ص 101، نساء / 31.

4- من کفارات الذنوب العظام إغاثه الملهوف و التنفیس عن المکروب. ر. ک نهج البلاغه، قصار 24.

21. ترک گناهان بزرگ

ترک گناهان کبیره سبب از بین رفتن آثار گناهان کوچک می شود قرآن می فرماید:

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید، پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم. (1)

22. استغفار روزانه

پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) از همه بیشتر استغفار می کرد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

پیامبر خدا، از هیچ مجلسی، هر چند کوتاه، بر نمی خواست تا آن که بیست و پنج مرتبه از خداوند عزّ و جلّ آمرزش می طلبید(2)

حذیفه بن یمان می گوید: به رسول خدا(صلی الله علیه و آله) عرضه داشتم: « یا رسول الله، انی رجل ذرب اللسان، وین عام ذلک علی اهلی؛ « ای پیامبر خدا، من مردی تندزبانم و بیشتر هم با خانواده ام چنین ام. » حضرت فرمودند: « فأین انت من

ص: 128

1- . نساء / 31.

2- . ان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم کان لا- یقوم من مجلس وین خف حتی یستغفرالله عز و جل خمساً و عشرين مره؛ بحارالانوار، ج 93، ص 281، ح 22. (کتاب استغفار راه رهایی از تنگناها، حبیب الله فرحزاد)

الاستغفار؛ پس آموزش خواهی ات کجا رفته است؟» بعد فرمودند: إني لأستغفار الله في اليوم أوقال في اليوم والليله منه مره؛ (1) من خود، در روز یا فرمود: در شبانه روز صد بار از خداوند، آموزش می طلبم.

عذر خواهی کن. آدم ممکن است اشتباه کند، نسبت به خودش، نسبت به دیگران، ولی باید جبران کند. پیامبر ما که اصلاً ذره ی گناه مرتکب نمی شد و مقام عصمت را داشت در روز این قدر استغفار می کرد چه رسد به ما که ممکن الخطاییم و ما باید چقدر در روز استغفار کنیم؟!

23. خداوند از حق الناس نمی گذرد

مسئله حق الناس یک مسئله بسیار گسترده است که ما باید خیلی خیلی باید مواظب باشیم. شاید خداوند رحمان از حق خود درگذرد اما نمی تواند از حق

دیگران بگذرد و اگر در عالم برزخ حق کسانی را که خورده ایم و یا گرفته ایم اگر حقش را مطالبه کند خدا می گوید من حاکم و قاضی هستم و از روی عدالت رفتار می کنم. تو باید حقش را بدهی.

بگذارید این را با یک مثال ساده برای تان روشن کنم.

شما با یک شخص دعوا کرده اید و یا حقش را خورده اید و حق با او باشد و شما در شهر خود یک قاضی مهربان دارید که به مهربانی بسیار مشهور است و شما را نزد آن قاضی مهربان می برد. جناب قاضی در بین شما حکم صادر می کند و آن شخص مطالبه حقش را دارد در این جا قاضی نمی تواند کاری کند.

ص: 129

1- . نهج الذکر، ج 4، ص 36، به نقل از: السنن الکبری للنسائی، ج 6، ص 117، ح 10282.

او هر قدر مهربان باشد باز هم نمی تواند علیه او و به طرفداری شما حکم صادر کند تا اینکه خود آن شخص شما ببخشد. خدا مرا ببخشد که خدا را این گونه تشبیه کردم. خداوند بالاتر از این ها است. او قدرت خدایی دارد و قدرت و عظمتش بی نهایت است.

ما باید در این دنیا خیلی مواظب باشیم. که حق دیگران را تلف نکنیم. حتی یک لبخند زدن، حتی یک خندیدن برای تحقیر دیگران، حتی نیت سوء داشتن برای یک شخص و... در آن دنیا (عالم برزخ) حساب و کتاب دارد. اگر وقت کسی را تلف کنیم و یا کوچکترین ظلم به کسی کنیم در آن دنیا مورد بازخواست و بازرسی قرار خواهیم گرفت. پس مواظب اعمال مان باشیم و خود را به آسانی به شیطان مفروشیم و اعمال نیکو انجام دهیم تا در دنیا و آخرت سعادتمند شویم.

جوانان و توبه

اشاره

یکی از عوامل که در پیشرفت اجتماعی و معنوی جوان، حایز اهمیت است، توبه و جبران خطاها است.

جوان نباید بخاطر اشتباهات گذشته، خود را در تنگنا و تاریکی ها حبس کند و شکست را بر خود بقبولاند.

در دین اسلام به توبه جوانان بسیار اهمیت می دهند که این نشانه ای از رأفت و توجه خاص خداوند به قشر جوان می باشد. جوان کسی است که جسم و روح بسیار نیرومندی دارد، همان قسم که جسم جوان قوی و نیرومند است روح او چند برابر از جسمش قوی است. وقتی به درگاه الهی رجوع می کند و در

پیشگاه پروردگار عالم می ایستد و خدایش را صدا می زند توجه خدا را نسبت به خود جلب می کند این از روح بالای جوان است. جوان همواره باید بکوشد مقام و منزلت خود و محبت الهی را حفظ کند و مهر و شفقت الهی را نسبت به خود بیشتر گرداند که خداوند نسبت به جوان توبه کار نظری پر مهر و محبت دارد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

خداوند بلند مرتبه، جوان توبه کار را دوست دارد.

بلکه جوان توبه کار از هر فرد دیگری در نزد خدای متعال بیشتر مورد محبت و دوستی است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

هیچ چیزی در نزد خدا محبوبتر از جوان توبه کار نیست. (1)

و در سخنی دیگر می فرماید:

توبه نیکو است ولی در جوانی نیکوتر است. (2)

خ-یز ای بنده مح-روم و گنهکار بیا

یک شب ای خفته غفلت زده، هشیار بیا

بس شب و روز که در زیر لحد خواهی خفت

دم غنیمت بشمار امشب و بیدار بیا

شب فیض اس-ت و در توبه و رحمت باز

ص: 131

1- . مشکوه الانوار، ص 155.

2- . التوبه حسنه لکنها فی الشباب احسن؛ مجموعه ورام، ج 2، ص 188.

خیز ای عبد پشیمان و خطاکار بیا

مگشا دست نیازت به عطای دگران

دل به من بسته و بگسسته ز اغیار بیا

فرصت از دست مده، می گذرد این لحظات

منش-ین غافل و بی حاصل و بیکار، بیا

سیل رحمت شود این اشک پیش-یمانی تو

با دلی بی غش و با چشم-م گهربار بیا

ضمانت بهشت برای جوان تائب

علی بن حمزه می گوید: دوست جوانی داشتم که در دستگاه بنی امیه به شغل نویسندگی اشتغال داشت. روزی به من گفت از امام صادق(علیه السلام) برای من وقتی برای ملاقات بگیر. من از آن حضرت، ملاقات گرفتم. او نزد حضرت آمد، سلام کرد و نشست سپس گفت قربانت گردم من مدتی در دستگاه بنی امیه دفتر داری کرده ام و در پیدا کردن آن اموال، مقید به حلال و حرام نبوده ام و از هر طریقی که ممکن بود آنها را به دست آورده ام. امام صادق(علیه السلام) فرمود: اگر بنی امیه کسانی مثل شما را نمی یافتند که برای آنها دفتر داری کنند و مالیات وصول نمایند و با سپاهیان شان به جنگ بروند و در اجتماعات شان حاضر شوند نمی توانستند حق ما را غصب کنند و اگر مردم آنها را به حال خود وا می گذارند چیزی جز آنچه به طور اتفاق به دست شان می رسید به چنگ نمی آوردند. جوان عرض کرد: قربانت کردم اکنون من راه نجاتی دارم؟ حضرت فرمود: اگر بگویم

انجام می دهی؟ پاسخ داد آری، انجام می دهم. حضرت فرمود: از هر چه در دستگاه آنها به دست آورده ای چشم بپوش، به این ترتیب که هر مالی که صاحبش را می شناسی، آن را به او بازگردان و هرچه را که صاحبش را نمی شناسی، برای او صدقه بده، در عوض من برای تو بهشت را از طرف خداوند ضمانت می کنم. او مدتی سر به زیر افکند و پس از مدتی تأمل، عرض کرد: قربانت گردم انجام می دهم.

علی بن حمزه گوید: جوان، همراه ما به کوفه بازگشت و هرچه داشت حتی لباس های تنش را انفاق نمود، من که چنان دیدم، پولی جمع کردم و لباسی برایش تهیه نمودم و بقیه آن پول را برای خرجی او به نزدش فرستادم، چند ماهی نگذشت که آن جوان بیمار شد و ما روزها به عیادتش می رفتیم تا روزی که بر بالینش رفتم؛ دیدم در حال جان دادن است، چشمش را بار کرد و مرا دید و گفت: یا علی وَفَى لِي وَاللَّهِ صَاحِبِكَ ... به خدا صاحب تو امام صادق(علیه السلام) به وعده ای که به من داده بود وفا کرد. این سخن را گفت و از دنیا رفت. ما او را به خاک سپردیم و چون به نزد امام صادق(علیه السلام) رفتم تا چشم آن حضرت به من افتاد فرمود: یا علی وفینا والله لصاحبک ... ای علی به خدا ما به وعده ای که به رفیق تو داده بودیم وفا کردیم، من عرض کردم قربانت گردم، به خدا او نیز هنگام مرگش همین سخن را گفت. (1)

ص: 133

1- . محجه البيضاء، ج 3، ص 254؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 240.

داستان های بسیاری از توبه کنندگان حقیقی بیان شده است. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می نمایم:

1. متخلفان تائب

سه نفر از مسلمانان به نام « کعب بن مالک»، « ضراره بن ربیع» و « هلال بن امیه» از شرکت در جنگ تبوک به مدینه بازگشت، آنان خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیده و عذر خواهی کردند؛ اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) حتی یک جمله با آنها سخن نگفت و به مسلمانان نیز دستور داد که احدی با آنها سخن نگوید.

آنها در یک محاصره عجیب اجتماعی قرار گرفتند، تا آن جا که حتی کودکان و زنان آنان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده و اجازه خواستند که از آنها جدا شوند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه جدایی نداد، ولی دستور داد که به آنها نزدیک نشوند. فضای مدینه به تمام وسعتش چنان بر آنها تنگ شد که مجبور شدند برای نجات از این خواری و رسوایی بزرگ، شهر را ترک گویند و به کوه های اطراف مدینه پناه ببرند. مدتی به این حال گذشت و پیوسته شب و روز انتظار می کشیدند که توبه آنها قبول شوند و آیه ای که دلیل بر قبولی توبه آنها باشد، نازل گردد، اما خبری نمی شد. در این هنگام، فکری به نظر یکی از آنان رسید و به دیگران گفت: اکنون که مردم با ما قطع رابطه کرده اند، چه بهتر که ما هم از یکدیگر قطع رابطه کنیم. این پیشنهاد عملی شد؛ به طوری که حتی یک کلمه با یکدیگر سخن نمی گفتند. این وضعیت پنجاه روز طول کشید و در طول این مدت، اظهار ندامت و پشیمانی و تضرع و گریه و زاری در پیشگاه الهی داشتند.

سر انجام توبه آنها پذیرفته شد و آیه زیر به عنوان پذیرفته شدن توبه آنان نازل گشت. (1)

آن سه نفر که (در مدینه) باز ماندند (و از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند و مسلمانان با آنان قطع رابطه کردند) تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ آمد و (حتی) جایی در وجود خویش برای خود نمی یافتند و دانستند که پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست. در آن هنگام، خدا به آنان توفیق توبه داد تا توبه کنند و خداوند توبه پذیر و مهربان است. (2)

از آیه فوق و شأن نزول آن، به دست می آید که مردم و جامعه و رهبران باید تلاش کنند هم راه توبه را برای مجریان باز گذارند و هم زمینه آن را فراهم کنند؛ چرا که توبه در تحول و سازندگی مردم نقش مؤثری خواهد داشت. (3)

2. توبه غلام وحشی

یکی از مشکل ترین و تلخ ترین حوادث برای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شهادت عموی بزرگوارش حضرت حمزه سیدالشهداء(علیه السلام) بود. قاتل حمزه (وحشی) پس از کشتن حمزه، پهلوی او را درید و جگرش را به عنوان هدیه برای هند، همسر ابوسفیان برد. پیامبر(صلی الله علیه و آله) با دیدن این منظره فجع، سوگند یاد کرد که به تلافی

ص: 135

-
- 1- . تفسیر نمونه، ج 8، ص 114، ح 7 ص 134.
 - 2- . وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ توبه / 118.
 - 3- . جوان و ندامت، اکبری محمود، ص 149.

این جنایت، هفتاد نفر از مشرکان را بکشد؛ ولی بعداً نه تنها چنین تلافی نکرد، بلکه همان قاتل را نیز به سوی اسلام دعوت کرد و او را وادار به توبه ساخت.

ابن عباس نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) شخصی را نزد وحشی قاتل عمویش فرستاد تا او را به اسلام دعوت کند. وحشی به فرستاده پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: به او بگو: تو می گویی آن که مرتکب قتل یا شرک یا زنا شود، در روز قیامت با ذلت گرفتار عذابی مضاعف خواهد

شد و من تمام این کارها و گناهان را مرتکب شده ام، آیا باز هم راه برایم باز است؟ آیه زیر نازل شد:

مگر آن که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد. پس خدا اعمال زشت ایشان را به اعمال نیک تبدیل می کند. (1)

وحشی با شنیدن این آیه، دوباره به پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیغام داد: توبه و ایمان و عمل صالح شرط های بسیار مشکلی است و من توان آن را ندارم. پس از مدتی این آیه نازل شد:

ص: 136

1- . إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ فرقان / 70.

به راستی که خداوند شرک ورزیدن را نخواهد بخشید، ولی آنچه را که کمتر از آن است، برای کسی که بخواند، خواهد بخشید. (1)

وحشی در پیام مجدد خود گفت: خداوند در این آیه، وعده مغفرت را به کسانی داده است که خود را بخواند و من نمی دانم خدا می خواهد مرا ببخشد یا نه؟ پس از گذشت مدت زمانی آیه ذیل نازل شد:

بگو ای بندگان من که بر خویش اسراف روا داشته اید! از رحمت خداوند نومید نشوید. به راستی که خداوند همه گناهان را می بخشد. همانا او آمرزنده و مهربان است. (2)

وحشی، با شنیدن این آیه امید به توبه پیدا کرد، آنگاه به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مشرف شد و اسلام آورد و از گذشته خود توبه کرد و در ادامه زندگی اش فداکاری هایی در راه مبارزه با دشمنان اسلام کرد. (3)

3. توبه یک راهزن مشهور

فضیل بن عیاض در آغاز زندگی راهزن بود و مدتی از عمر خویش را به این عمل زشت گذراند، و در این کار، مشهور بود، به طوری که هیچ کاروانی در شب، جرأت نداشت از مکانی که فضیل در آن زندگی می کرد عبور کند. او عاشق و فریفته زن زیبایی شد و برای رسیدن به وصال، شبی تصمیم گرفت که از دیوار خانه معشوق بالا رود. تصمیم گرفت خود را به مرحله اجرا بگذارد، همین که روی دیوار خانه آمد، صدای آیه ای از قرآن به وسیله اهل دلی که در نیمه شب مشغول قرائت قرآن بود به گوشش رسید.

ص: 137

1- . إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ؛ نساء / 48.

2- . قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ زمر / 53.

3- . حياه الصحابه، كاهلوندی، بیروت، دارالفکر، 140، ج 1، ص 41.

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد؟(1)

این سخنان آسمانی چنان در قلب فضیل اثر گذاشت که به خود آمده و از تصمیمش منصرف شد و در آن حال با خود گفت: وقت آن رسیده است که دلم به ذکر خدا خاشع شود. با کمال اخلاص و صفای دل، از کرده های زشت خویش پشیمان گردید و از صمیم قلب به سوی خدا بازگشت. فضیل آن شب را به خرابه ای پناه برد از قضا در آن خرابه کاروانی بار انداخته بود، که صبحگاهان از آن جا به صفر خود ادامه دهند. نیمه شب یکی از کاروانیان گفت خوب است که اکنون از این جا کوچ کرده به سفر خود ادامه دهیم، دیگری گفت مگر نمی دانید فضیل، راهزن مشهور در این راه است، اگر در این وقت شب حرکت کنیم از شر او در امان نخواهیم بود.

فضیل همین که این جملات را شنید، بسیار متأثر شد که چرا باید دل های عده ای از ترس من در اضطراب و پریشانی باشند، از این رو با صورتی گشاده به سوی کاروانیان رفت و خود را به آنان معرفی نمود. گفت از این به بعد نگران

ص: 138

1- . أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ. حدید / 16.

فضیل بن عیاض نباشید، بدانید که فضیل منم و از کرده های زشت خود حقیقتاً توبه نموده ام.

4. داستان همسایه ابوبصیر

ابوبصیر می گوید: مرا همسایه ای بود از معاونین و همکاران سلطان جور، ثروت زیادی به دست آورده بود، چند کنیز آواز خوان و مطرب داشت و پیوسته مجلسی از هواپرستان تشکیل می داد و به لهو و لعب و عیش و طرب می گذراند؛ کنیزان آواز می خواندند و آنان شراب می خوردند، چون همسایه من بود همیشه به واسطه شنیدن آن منکرات، از دست او ناراحت بودم، چند مرتبه گوشزد کردم ولی او نمی پذیرفت. آن قدر اصرار نمودم تا روزی گفت: من مردی مبتلا و اسیر شیطانم، اگر وضع مرا به صاحب خود امام صادق (علیه السلام) بگویی، شاید خداوند مرا از پیروی نفس به واسطه تو نجات دهد.

ابوبصیر می گوید: سخن آن مرد بر دلم نشست، صبر کردم تا زمانی که خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، داستان همسایه ام را به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم، حضرت فرمود: وقتی به کوفه برگشتی او به دیدن تو می آید، بگو جعفر بن محمد می گوید: آنچه از کارهای زشت می کنی ترک کن، برایت بهشت را ضمانت می کنم. به کوفه برگشتم مردم به دیدنم آمدند، او نیز با آنان بود همین که خواست حرکت کند، نگاهش داشتم، وقتی اتاق خلوت شد، گفتم وضع تو را به امام صادق (علیه السلام) شرح دادم، حضرت فرمود: او را سلام برسان و بگو آن اعمال را ترک کند تا برایش بهشت را ضمانت کنم. گریه اش گرفت، گفت تو را به خدا قسم، جعفر بن محمد (علیه السلام) این حرف را به تو فرمود؟ سوگند یاد کردم گفتم: آری. گفت: مرا همین بس و از منزل خارج شد. و به دنبال اصلاح خود شتافت.

پس از مدتی پیغام فرستاد که مریض شده ام تا تورا ببینم، در مدت بیماریش مرتب از او خبر گرفتم و با داروهایی به معالجه او مشغول بودم، بالاخره به حال احتضار رسید، در کنار بسترش نشسته بودم و او در حال مرگ بود، در این موقع بیهوش شد وقتی به هوش آمد در حالی که لبخندی بر لبانش نشسته بود گفت: ای ابوبصیر، صحبت، حضرت صادق(علیه السلام) به وعده خود وفا کرد. این را بگفت و دیده از جهان بریست، در همان سال وقتی به حج رفتم، در مدینه خدمت حضرت

ص: 140

صداق (علیه السلام) رسیدم، حضرت فرمود: ای ابوبصیر، ما به وعده خود نسبت به همسایه ات وفا کردیم. (1)

رباعی های توبه

خداوندا مرا دریاب دریاب

من افتاده در غرقاب دریاب

بیخس این بنده بدبخت خود را

همه عمرم بشد در خواب دریاب

خداوندا پشیمانم پشیمان

کج-ا رو آورم از زخم عصیان

سیاهی های دل، زارم نموده

بکن رحمی بر این زار پریشان

یا رب ز گناه خویش شرمند منم

بر هر چه عقوبت است زینده منم

غفار تویی، غنی تویی، شاه تویی

بدکار منم، گدا منم، بنده منم

تا کنون کردی گنه دیگر مکن

تیره کردی آب، افزون تر مکن

قرآن کریم

نهج البلاغه، مرحوم دشتی

بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مصحح، جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی

نهج الفصاحه

تحریر الوسیله، چهار جلدی، لنکرانی، محمد فاضل، بینا، بیتا

اکبری، محمود، جوان و ندامت، ، قم، عطاران، 1390

حسینی، سید محمد باقر، راز حیات برتر، ، اصفهان، سلام سپاهان، 1397

محدثی، جواد، شگرد های شیطان، درس های از نهج البلاغه، آستان قدس رضوی

، فتاحی اردکانی، محسن، از فرصت تا حسرت جوانی، 1358

مطهری، مرتضی، آزادی معنوی

صدوق، شیخ محمد بن علی بن بابویه، فضایل الا شهر الثلاثه

ص: 142

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، بینا، بیتا

آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، 1386

نجف آبادی، سید علی میرداماد، اصول و روش های حفظ قرآن، قم، پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص)

فرحزاد، حبیب الله، استغفار راه رهایی از تنگناها، قم، طوبای محبت، 1396.

قرائتی، محسن، گناه شناسی، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، 1377.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

